

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# تدبیر ماه

نماندگی ولی فقیه در سپاه

دفتر تأیید شرعی ضوابط و برنامه ها

نام نشریه:

تنظیم و نشر:

نوبت چاپ:

شماره:

تاریخ چاپ:

شمارگان:

چاپ:

تدبیر ماه

نماینده‌گی ولی فقیه در سپاه  
دفتر تأیید شرعی ضوابط و برنامه‌ها

اول

(تیر و مرداد ۹۳) ۸۹

شهریور ۱۳۹۳

۳۰۰۰ نسخه

مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه



# فهرست

موضوع	صفحه
مقدمه	۷
حدیث	۹
تدابیر تربیتی و معنوی	۱۳
تدابیر آموزشی	۳۱
تدابیر فرهنگی و هنری	۳۹
تدابیر مدیریتی	۵۳
تدابیر سیاسی و اجتماعی	۶۳
تدابیر اقتصادی و مالی	۱۱۵
تدابیر نظارت و بازرسی	۱۱۷
تدابیر حقوقی و قانونی	۱۱۹
تدابیر پژوهشی، تحقیقاتی	۱۲۳
تدابیر برون مرزی	۱۴۱
تدابیر تصمیمات راهبردی	۱۸۱
پی‌نوشت‌ها	۱۹۲

## معاونت تدابیر و قوانین دفتر تأیید شرعی

تلفن مستقیم: ۳۵۲۳۳۷۱۲

کوثر: ۳۳۹۳۹ و ۳۳۷۱۲

پایگاه داخلی: [www.pasdar.org](http://www.pasdar.org)



## سبقت‌گیری

شهریور ماه، یادآور مناسبت‌ها و حوادث بزرگی در تاریخ انقلاب اسلامی است: کشتار بی‌رحمانه مردم بی‌دفاع در راهپیمایی هفدهم شهریور ۱۳۵۷ و شهادت مجاهد انقلابی شهید سید علی اندرزگو به‌دست جلادان رژیم شاه. تهاجم گسترده و وحشیانه رژیم صدام به کشور اسلامی ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹. انجام ترورها و انفجارهای خونین به‌دست منافقین مزدور و شهادت حامیان و ارکان نظام اسلامی در سال ۱۳۶۰، از جمله: انفجار دادستانی انقلاب اسلامی و شهادت آیت‌الله قدوسی و همراهان در چهاردهم شهریور، انفجار نماز جمعه تبریز و شهادت شهید محراب آیت‌الله مدنی در بیستم شهریور، که همه و همه مدارک و شواهد دشمنی استکبار جهانی

به خصوص آمریکای جنایتکار با نظام مقدس جمهوری اسلامی و ملت بزرگ ایران است.

از سوی دیگر، شهریور ماه منور و مزین است به دهه کرامت که با میلاد حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، سرآغاز سرور و شادمانی ولادت با سعادت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام به اوج می رسد.

ضمن تبریک این ایام نورانی، هشتاد و نهمین شماره نشریه «تدبیر ماه» که برگزیده رهنمودها و تدابیر مقام معظم رهبری مد ظله العالی در تیر و مرداد سال جاری است، به شما حامیان و رهروان خط ولایت و امامت تقدیم می شود.

امید است این مجموعه، سرمایه پایدار و مشعل تابناک برای شما فرماندهان و مسئولان مرزهای عزت و سربلندی نظام مقدس جمهوری اسلامی در مقابله با دسیسه ها و خصومت های دشمنان اسلام باشد. ان شاء الله.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

دفتر تأیید شرعی ضوابط و برنامه ها

\* \* \*

## حدیث

عن ابی الحسن علیه السلام:

إِنَّ رَجُلًا فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ عَبْدَ اللَّهِ أَرْبَعِينَ سَنَةً ثُمَّ قَرَّبَ قُرْبَانًا فَلَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ فَقَالَ لِنَفْسِهِ مَا أُتِيتُ إِلَّا مِنْكَ وَمَا الذَّنْبُ إِلَّا لَكَ قَالَ فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَيْهِ ذَمُّكَ لِنَفْسِكَ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَتِكَ أَرْبَعِينَ سَنَةً.<sup>۱</sup>

الشافی: صفحہ ۵۰۲

توضیح مقام معظم رهبری مد ظله العالی:

مرد عابدی در بنی اسرائیل ۴۰ سال عبادت خدا را می‌کرد، یک روز یک قربانی کرد، قربانی او در نزد خداوند متعال مقبول واقع نشد،

---

۱- ابی الحسن علیه السلام فرمود:

مردی در بنی اسرائیل چهل سال عبادت خدا کرد و سپس قربانی نمود، ولی از او پذیرفته نشد، با خود گفت:  
این اشکال از توست و غیر از خودت گناهکار نیست.  
خدای تبارک و تعالی به او وحی فرمود:  
نکوهشی که از خود کردی، از عبادت چهل سال برتر بود.

علامت قبولی قربانی مثلاً این بوده است که آتشی  
 بیاید آنرا بسوزاند، چنانچه در قرآن هست. به هر  
 حال، این عابد فهمید که قربانی او مورد قبول  
 پروردگار متعال جل شأنه قرار نگرفته است. در  
 اینجا انسان‌ها دو گونه‌اند: بعضی‌ها از خداوند  
 متعال گلایه‌مند می‌شوند، ولی بعضی به فکر فرو  
 می‌روند که چرا قربانی‌شان را خدای متعال قبول  
 نکرده؟ این عابد از قسم دوم بود، «فَقَالَ لِنَفْسِهِ مَا  
 أُتِيتُ إِلَّا مِنْكَ»، این بلایی که بر تو نازل شد، این  
 مشکلی که برای تو بوجود آمد، این از ناحیه خود  
 توست: «وَمَا الذَّنْبُ إِلَّا لَكَ». گناه، گناه خود  
 توست. کاری کردی که قربانی تو قبول نمی‌شود.  
 در قرآن دارد: «ذلک بما قدمت یداک»، وقتی که  
 احساس کرد اشکال از خود اوست، «فَأَوْحَى اللَّهُ  
 تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَيْهِ ذِمَّتَكَ لِنَفْسِكَ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَتِكَ  
 أَرْبَعِينَ سَنَةً» همین‌که خودت را مذمت کردی و  
 تقصیر را به‌جانب خودت دانستی یعنی حقیقت را  
 فهمیدی که مشکل از ناحیه خود توست، این، از  
 آن ۴۰ سال عبادتی که کردی، با فضیلت‌تر است.

این‌گونه روایات، نظام ارزشی اسلام را برای ما ترسیم می‌کند، اینکه چه چیزهایی با چه اولویت‌هایی ارزشمندتر است، عبادت خیلی ارزش دارد. سجده برای پروردگار خیلی ارزش دارد. اما آنچه اساس قضیه است این است که انسان چکشی در دست بگیرد و مرتب بر سر این پیل وحشی نفس که در درون او است، بکوبد. این نفس سرکش را باید مهار کرد. هر بلایی، هر اشکالی هست، از ناحیه اوست. این که انسان به عبادات و تضرع الی الله توصیه شده است، برای این است که قدر خود و جای خود را در مقابل پروردگار بفهمد. این نه از باب این است که خدای متعال به این تضرع احتیاج دارد، العیاذ بالله مثل بندگانی که متکبرند، خوششان می‌آید افراد در مقابل آنها خضوع کنند، این نیست! قضیه این است که آنچه انسان را اصلاح می‌کند، همین تضرع است، همین کوچک شدن است، و احساس تقصیر است، در فقره‌ای از دعای مبارکه صحیفه سجادیه این‌طور دارد: « فَأَمَّا أَتَى إِلَهِي فَأَهْلُ أَنْ لَا يَعْتَرَّ بِكَ الصَّدِيقُونَ » ، حتی صدیقون جا دارد که

در مقابل تو اغترار پیدا نکنند. ببینید چقدر فاصله است بین این حالت و حالت بعضی از ماها که تا یک کار کوچکی، یک عمل خوبی، یک مجاهدتی برای خدا می‌کنیم، خیال می‌کنیم که طاووس علیین شده‌ایم! اینها نظام ارزشی اسلام را برای ما توضیح می‌دهد، خودتان را در مقابل پروردگار بدهکار بدانید! آنچه را که از خدمات انجام می‌دهید، بخشی از واجب و وظیفه لازم خود در مقابل خدای متعال بدانید، چه خدماتی که برای مردم می‌کنید، چه عبادتی که می‌کنید، چه روحیات و نفسیات و خلقیات خوبی که در خودتان بوجود می‌آورید، اینها بخشی از آن کاری است که باید در مقابل ذات اقدس الهی انجام داد.

جلسه یک صد و هشتاد و نه درس خارج فقه ۸۶/۸/۲۸



# تدابیر تربیتی و معنوی

- ارتقاء و تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی
- اهتمام به نقش تربیتی قرآن و اسلام
- استحکام خانواده و تربیت فرزندان

## ارتقاء و تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی

### نیاز امت اسلامی به انس با قرآن

قرآن کتاب معرفت است، کتاب نور است. «وَمَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدٌ إِلَّا قَامَ عَنْهُ بِزِيَادَةٍ أَوْ نُقْصَانٍ زِيَادَةٍ فِي هُدًى أَوْ نُقْصَانٍ فِي عَمًى»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶) این کلام منسوب به امیرالمؤمنین است؛ فرمود: هرکسی که با قرآن نشست، از این نشست که برخاست، یا هدایتی در او افزون شده است یا بی‌معرفتی و کوری‌ای از او کم شده است. یک افزایش و یک نقصانی در او به‌وجود می‌آید،

افزایش در هدایت و نقصان در کوری، نقصان در گمراهی. یعنی گمراهی انسان کم می‌شود. هدایت انسان، آگاهی انسان افزایش پیدا می‌کند؛ نشست و برخاست با قرآن این‌جوری است؛ این البته با توجّه و تدبّر در قرآن حاصل می‌شود. قرآن را باید با توجّه خواند؛ توجّه داشته باشیم که صرف تشکیل این اصوات مطلوب نیست؛ با توجّه به معانی، با توجّه به مرادات (خواست‌ها) قرآنی، باید قرآن را خواند. اگر این شد، آن وقت جامعه اسلامی راه خودش را پیدا می‌کند: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»؛ (بقره ۲۵۷) از ظلمات خرافات، از ظلمات گمراهی‌ها، از ظلمت ترس، از ظلمت توهّمات، انسان خارج می‌شود «إِلَى النُّورِ»؛ نور هدایت، نور معرفت، نور تقربّ به پروردگار، نور انس با پروردگار. اینها خصوصیات [است] که با نشستن با قرآن و انس با قرآن برای انسان به وجود می‌آید و ما به این احتیاج داریم؛ امت اسلامی امروز به این احتیاج دارد.<sup>۳</sup>

## راه نجات از آتش و فوز به جَنّت

ماه رمضان را «مبارک» نامیده‌اند؛ عِلّت مبارک بودن این ماه، این است که راه نجات از آتش و فوز به جَنّت است، که در دعای روز ماه رمضان [می‌خوانیم:] «وَ هَذَا شَهْرُ الْعِتْقِ مِنَ النَّارِ وَ الْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ». (اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۹۰) آتش و دوزخ الهی و همچنین بهشت و نعیم الهی در همین دنیا موجود است. آنچه در نشئه آخرت تحقّق پیدا می‌کند، باطن همان چیزی است که در اینجا است: «وَ اِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ»؛ (توبه ۴۹) جهنّم در همین جا، در همین نشئه، در همین زندگی، کافران و ظالمان و معاندان و مخالفان را احاطه کرده است؛ بهشت هم همین جور.

اینکه ما از جهنّم به بهشت برویم، دست خود ماست؛ در همین جا تحقّق پیدا می‌کند و صورت عینی و باطنی و واقعی آن در آن نشئه دیده می‌شود. ما می‌توانیم این سفر را، این سیر از دوزخ بدکرداری، دوزخ بددلی، دوزخ بداندیشی، از این دوزخ که مال این دنیا است را به بهشت

نیک‌کرداری، به بهشت نیک‌اندیشی و نیک‌رفتاری و نیک‌خویی انجام بدهیم؛ اسم این حرکت «انابه» است، «توبه» است. لذا در دعا وارد شده است: «وَ هَذَا شَهْرُ الْإِنَابَةِ وَ هَذَا شَهْرُ التَّوْبَةِ»؛ (اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲۵) با انابه، با توبه، عِتق (آزاد شدن) از نار و فوز به جَنّت حاصل خواهد شد.<sup>۵</sup>

### تنها راه‌هایی از صفات و رفتارهای ناپسند

حضرت علی علیه السلام، تنها راه‌هایی از این صفات [اقدام شتابزده به هنگام عصبانیت، تندی اخلاق، تیزی زبان و نخوت و غرور] و رفتارهای ناپسند را، مالک شدن انسان بر نفس خود از طریق ارتباط قلبی و معنوی و عملی با خداوند متعال می‌دانند.<sup>۷</sup>

## اهتمام به نقش تربیتی قرآن و اسلام

### نزدیک کردن جامعه اسلامی

#### به فهم و انس با قرآن

کاری که قرآنی‌ها امروز در کشور ما می‌کنند، به نظر من یک کار راهبردی و مهم است. درست است که انس با قرآن برای خود تلاوت‌کننده قرآن و مأنوس با قرآن مایه ارتفاع درجات و تعمیق معارف است - این به جای خود محفوظ؛ یعنی فیضی که خود شما خواننده قرآن و تالی قرآن می‌برید، این در جای خود دستاورد مهمی است - اما در ورای این یک دستاورد دیگری وجود دارد که دایره آن وسیع‌تر است، و آن عبارت است از نزدیک کردن جامعه اسلامی به فهم قرآن و به انس با قرآن، و نزدیک شدن به قرآن؛ این خیلی مهم است. امروز جامعه قرآنی ما، قاریان و حافظان و ترتیل‌کنندگان و بقیه کسانی که در این راه تلاش می‌کنند، در واقع این حرکت راهبردی را دارند انجام می‌دهند و این بسیار مهم است؛ این را باید قدر دانست.<sup>۳</sup>

## فواید و منافع انس با قرآن

نظام اسلامی و جامعه اسلامی با انس روزافزون با قرآن استحکام درونی پیدا می‌کند؛ و استحکام درونی آن چیزی است که جوامع را در راه‌های مطلوب خودشان و به‌سوی مطلوب‌های خودشان قادر می‌سازد و قدرت برخورد با چالش‌ها به جوامع می‌دهد. باید در درون مستحکم بود؛ این استحکام درونی به برکت انس با قرآن حاصل می‌شود. انس با قرآن ایمان را تقویت می‌کند، توکل به خدا را زیاد می‌کند، اعتماد به وعده الهی را زیاد می‌کند، ترس و خوف از مشکلات مادی را در انسان کم می‌کند، انسان‌ها را تقویت روحی می‌کند، اعتماد به نفس می‌دهد، راه‌های تقرّب به خدا را برای انسان روشن می‌کند. فواید و منافع انس با قرآن در این بخش اینها است.<sup>۳</sup>

## مطلوب ما برای آحاد مردم درک مفاهیم و انس با قرآن

حقیقت این است که بحمدالله در این چند سال، جامعه قرآنی پیشرفت بسیار زیادی کرده است. ما این جلسه سالی یکبار را سالهای متمادی است که داریم، و من پیشرفت محسوس انس با قرآن، تلاوت قرآن را در بین مردمان، جوانانمان و علاقه‌مندان و گسترش روزافزون این معنا را می‌بینم؛ بحمدالله این جای شکرگزاری دارد؛ ولی فاصله ما با آنچه مطلوب است، فاصله زیادی است. ... لکن در سطح عمومی جامعه نه، ما در حد مطلوب نیستیم و فاصله‌مان زیاد است. باید در کشور ما و در میان جامعه ما ترتیبی اتخاذ بشود که همه آحاد مردم به نحوی با قرآن انس داشته باشند و مفاهیم قرآنی برای اینها مفهوم باشد و معانی قرآن را درک کنند، به قرآن مراجعه کنند؛ ولو به طور اجمال از مفاهیم قرآنی سر در بیاورند. باید به اینجا برسیم. در کشورهایی که زبانشان عربی است، این مرحله را آسان‌تر طی می‌کنند؛ در



کشور ما که زبان ما عربی نیست، به این مرحله دشوارتر می‌رسیم، ولی خوشبختانه ... کلمات قرآنی، کلمات آشنایی برای ما است؛ فهمیدن معانی آنها برای مردم ما دشوار نیست و قدری انس و ممارست می‌تواند این چیزی را که مطلوب ما است، ان شاء الله در جامعه به وجود بیاورد.<sup>۳</sup>

## رسالت جوانان قرآنی

شما جوان‌های قرآنی و کسانی که در راه قرآن عمر خود را، سال‌های خود را، جوانی خود را، نیروی خود را مصرف می‌کنید، از خدای متعال شاکر باشید؛ این توفیق بزرگی است که خدای متعال جوانان را، نوجوانان را توفیق بدهد که اینها انس پیدا کنند با قرآن؛ راه قرآن را انتخاب بکنند. چنین چیزی در دوران‌های گذشته نبود؛ قرآن در بین جوانان رواج نداشت، ترویج نمی‌شد؛ امروز بحمدالله در بین جوان‌ها ترویج می‌شود؛ و شما جزو عوامل و تأثیرگذاران این ترویج هستید؛ این را قدر بدانید. و سعی کنند برادرانی که در زمینه قرآن فعالیت می‌کنند، در عمل هم: «کُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ اِلْسِنَتِكُمْ» (بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۳۰۹) [باشند]؛ نشان بدهند که از لحاظ پایبندی به مقررات دینی، به ضوابط دینی جزو افراد برجسته هستند؛ این را نشان بدهند تا تأثیر قرآن در عمل آنها خودش را نشان بدهد: در ممشای عمومی، در سلوک، در بواطن، در ظواهر؛ ظواهر، ظواهر اسلامی؛ کیفیت

برخورد، کیفیت اسلامی؛ اینها را مراعات میکنند.

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا»؛ (انفال ۲) یک نشانی از این خصوصیات را برادرانی که با قرآن بیشتر مانوس هستند، نشان بدهند. آنچه شما انجام می‌دهید - که امروز بحمدالله نشانه قرآنی، یک نشانه پرافتخاری است - برای جوان‌ها و برای نوجوان‌ها و برای مستمعین شما می‌تواند یک الگویی باشد؛ از شما یاد بگیرند. سعی کنید چیزهایی را از شما یاد بگیرند که موجب نزدیکی آنها به خدا باشد.<sup>۳</sup>

## ماه رمضان،

### ماه تقابل رفتارهای شیطانی و رحمانی

در ادبیات مذهبی ما، ماه رمضان، ماه تقابل شیطان و رفتارهای شیطانی از یک سو، و رفتارهای رحمانی و اطاعت و عبودیت از سوی دیگر است. گفته می‌شود که شیطان در ماه رمضان لگام‌زده است - این از یک طرف - و گفته می‌شود که ماه رمضان، ماه اطاعت و عبودیت است، که کوتاه‌ترین کلمه و پُرمغزترین کلمه، کلمه تقوا است: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ». (بقره ۱۸۳) مسئله، مسئله تقابل شیطان و تقابل تقوا است. کار شیطان اغوا کردن است؛ اغوا یعنی چه؟ یعنی ایجاد اختلال در دستگاه محاسبه شما - شیطان این است دیگر - نقطه مقابل، کارکرد تقوا است؛ سعی شیطان این است که شما را اغوا کند، یعنی دستگاه عقل را، دستگاه فطرت را، دستگاه سنجش صحیح را که در وجود انسان گذاشته شده است، از کار بیندازد؛ یعنی انسان را دچار خطای در محاسبه کند. کار

تقوا نقطه مقابل است: «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا»، (انفال ۲۹) تقوا به شما فرقان، یعنی آگاهی برای جدا کردن حق از باطل را می‌دهد. در آیه شریفه دیگر [می‌فرماید]: «وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يَعْلَمَكُمُ اللَّهُ»؛ (بقره ۲۸۲) تقوا موجب این است که خدای متعال دریچه‌های دانش را، آگاهی را، دانایی را به روی شما باز کند.<sup>۵</sup>

### درس‌های ماه رمضان

خودباوری را فراموش نکنیم؛ ایمان را فراموش نکنیم؛ عمل را فراموش نکنیم؛ تسلیم تنبلی و سهل‌انگاری و ملالت و دل‌زدگی نشدن را فراموش نکنیم؛ اینها درس‌های ماه رمضان است.<sup>۵</sup>

## توسعهٔ سبک زندگی اسلامی

برادران عزیز، خواهران عزیز! هرکدام از این اعمالی که در ماه رمضان انجام دادید، یک عمل صالح و یک قطعه‌ای از بهشت بود. اینکه در دعای ماه مبارک رمضان از خدای متعال می‌خواهید که شما را فائز به جنت کند، معنای آن همین است که این اعمالی را که تجسم اخروی آن، بهشت موعود الهی است، نصیب شما بشود؛ [اَللّٰهُمَّ ... هَذَا شَهْرُ الْعِتْقِ مِنَ النَّارِ وَ الْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ. (اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲۵)] و بحمدالله شد. قدر آنچه را که در ماه رمضان آموختید بدانید، و آن را برای خودتان نگه دارید. آنچه انسان در این ماه رمضان، در میان این اعمال شخصی و عمومی و مردمی و اجتماعی مشاهده می‌کرد، اطعام مردم به صورت عمومی و به صورت افطاری ساده و همگانی در بین مردم ما بود که بحمدالله رایج شده است. سال گذشته از مردم عزیزمان خواهش شد که تشریفات افطار را کم کنند، کمیت ضیافت‌شوندگان در افطار را افزایش بدهند؛ امسال در مراکز عمومی، در مراکز مقدّس،

در خیابان‌ها، در حسینیه‌ها، در جای جای کشور، خبرهایی که به ما رسید، نشان‌دهنده این بود که مردم همّت کرده‌اند و این کار را توسعه داده‌اند. توصیه این حقیر این است که این جور چیزها را - که در شکل دادن به سبک زندگی اسلامی تأثیر می‌گذارد - هرچه بیشتر توسعه بدهید.<sup>۹</sup>

### تقوا، منشأ اثر در همه زمینه‌ها

خود را و همه ملت ایران را توصیه می‌کنیم به رعایت تقوای الهی. در همه زمینه‌ها این تقوا منشأ اثر است؛ از جمله در زمینه قضاوت و عمل در مسائل مهم اجتماعی و بین‌المللی و مسائل مربوط به جهان اسلام و مسائل مربوط به انسانیت.<sup>۹</sup>

## استحکام خانواده و تربیت فرزندان

### اطمینان به وعده‌های الهی

#### در تحقق ازدواج و تشکیل خانواده

مسئله ازدواج جوان‌ها، مسئله مهمی است. من از این بیم دارم که نگاه بی تفاوت نسبت به مسئله ازدواج - که متأسفانه امروز کم و بیش این نگاه بی تفاوت وجود دارد - در آینده تبعات سختی را برای کشور به وجود بیاورد. ... انگیزه برای ازدواج، باید تبدیل بشود به یک اقدام عملی؛ یعنی ازدواج باید تحقق پیدا بکند. اینکه خدای متعال می فرماید: «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»، (نور ۳۲) این یک وعده الهی است؛ ما باید به این وعده، مثل بقیه وعده‌های الهی که به آن وعده‌ها اطمینان می‌کنیم، اطمینان کنیم. ازدواج و تشکیل خانواده، موجب نشده است و موجب نمی‌شود که وضع معیشتی افراد دچار تنگی و سختی بشود؛ یعنی از ناحیه ازدواج کسی دچار سختی معیشت نمی‌شود؛ بلکه ازدواج ممکن است گشایش هم ایجاد کند. محیط دانشجویی، محیط خوبی و مناسبی است برای



زمینه‌سازی ازدواج. به نظر من بر روی مسئله ازدواج جوان‌ها، خود جوان‌ها، اولیای خانواده‌هایی که جوان‌ها متعلق به آنها هستند، و مسئولان ذی‌ربط مرتبط با دانشگاه، فکر کنند و تصمیم بگیرند؛ نگذاریم سن ازدواج - که امروز متأسفانه بالا رفته؛ به‌خصوص در مورد دختران - ادامه پیدا بکند. بعضی از تصورات و سنت‌های غلط در مورد ازدواج وجود دارد که اینها دست‌وپاگیر است، مانع از رواج ازدواج جوان‌ها است؛ این سنت‌ها را باید عملاً نقض کرد. شما که جوان‌اید، مطالبه‌گراید، پرنشاط‌اید، پیشنهادکننده نقض خیلی از عادت‌ها و سنت‌ها هستید. به نظر من، این سنت‌های غلطی را هم که در زمینه ازدواج وجود دارد، بایستی شما نقض کنید؛ این هم یک مسئله است که من تأکید آن را لازم می‌دانم. البته در گذشته معمول بود که برای ازدواج، افراد خیر و مؤمنی پیدا می‌شدند، واسطه‌گری می‌کردند، دخترهای مناسب را، پسرهای مناسب را، معرفی می‌کردند، ازدواج‌ها را راه می‌انداختند؛ این کارها باید انجام بگیرد؛ باید واقعاً در جامعه یک حرکتی در این زمینه به‌وجود بیاید.<sup>۸</sup>



# تدابیر آموزشی

- آموزش و تعمیق معارف دینی
- روشمندی و پویایی علمی و آموزشی
- نقش مربیان و اساتید

## آموزش و تعمیق معارف دینی

برنامه‌ریزی برای تقویت ایمان، عمل  
و ساختن شخصیت دینی و معنوی دانشجویان  
استادان دروس معارف، فرصت بسیار  
ارزشمندی را دارند در دانشگاه؛ این مجموعه  
عظیم دانشجویان، جماعت میلیونی دانشجو در  
ساعات فراوانی در اختیار استاد معارف‌اند؛

این خیلی فرصت باارزشی است. بهترین جوان‌ها در اختیار شما هستند؛ اگر استاد معارف با هوشمندی، با تکیه به معلومات عمیق و به‌روزشده در مسائل گوناگون فکری و اسلامی، با دانشجو مواجه بشود، ما بیشترین سود را از حضور اساتید معارف در دانشگاه خواهیم برد. و به‌نظر ما بسیار بجا و مناسب است که نهاد نمایندگی (در دانشگاه‌ها) به این مسائل توجه کنند و دقت کنند، برنامه‌ریزی کنند که بتوان از حضور این استادان محترم در دانشگاه برای تقویت ایمان دانشجو و تقویت عمل و ساختن شخصیت دینی و معنوی دانشجویان بهره‌برداری بشود.<sup>۴</sup>

## روشنندی و پویایی علمی و آموزشی

### ضرورت هم‌افزایی

#### در ایجاد تحوّل بنیادین در علوم انسانی

حقیقتاً ما نیازمند آن هستیم که یک تحوّل بنیادین در علوم انسانی در کشور به‌وجود بیاید. این به معنای این نیست که ما از کار فکری و علمی و تحقیقی دیگران، خودمان را بی‌نیاز بدانیم. نه! برخی از علوم انسانی ساخته و پرداخته غربی‌ها است؛ در این زمینه کار کردند، فکر کردند، مطالعه کردند، از آن مطالعات باید استفاده کرد. حرف این است که: مبنای علوم انسانی غربی، مبنای غیرالهی است، مبنای مادی است، مبنای غیر توحیدی است؛ این با مبانی اسلامی سازگار نیست، با مبانی دینی سازگار نیست! علوم انسانی، آن‌وقتی صحیح و مفید و تربیت‌کننده صحیح انسان خواهد بود و به فرد و جامعه نفع خواهد رساند که براساس تفکر الهی و جهان‌بینی الهی باشد؛ این امروز در دانش‌های علوم انسانی در وضع کنونی وجود ندارد؛ روی این بایستی کار کرد، فکر کرد. البتّه

این کار، کار شتاب‌آلودی نیست - کار بلندمدتی است، کار مهمی است - متتها دوستانی هم که مشغول این کار هستند، لازم است سرعت متناسب را به این کار بدهند. یعنی ضمن اینکه نباید در این کار شتاب‌زدگی کرد، عقب‌ماندگی هم در این کار مطلوب نیست و مورد قبول نیست؛ بایستی کار بشود! البته من شنیدم و اطلاع دارم که علاوه بر آنچه در شورای عالی انقلاب فرهنگی در این زمینه انجام می‌گیرد، اساتید متعدد دانشگاه هم در این زمینه کارهای مهم و خودجوش دارند انجام می‌دهند، که این کارها خوب است در یک صراط قرار بگیرد؛ یعنی این دو مجموعه کاری با یکدیگر هم‌افزایی کند، تا ان شاء الله نتایجی عاید کشور و عاید دانشگاه کشور در این زمینه بشود.<sup>۴</sup>

## نقش مربیان و اساتید

### رسالت اساتید

#### در تربیت دانشجویان متدین و متعهد

استاد، جایگاه تأثیرگذاری در ذهن شاگردان خودش دارد؛ خاصیت استادی این است؛ یعنی تفوق (برتری) علمی شما بر دانشجو و تعلیمی که به او می‌دهید، یک جایگاه اثرگذاری برای شما در ذهن او و در شخصیت او به وجود می‌آورد؛ از این جایگاه برای تربیت دانشجویان استفاده کنید. ما امروز نیازمندیم که جوانان ما خوش‌روحه، امیدوار، شجاع، دارای اعتماد به نفس، دارای ایمان، دارای روحیه آینده‌نگر، دارای روحیه خدمت [باشند]؛ احتیاج داریم دانشجوی ما این جور بار بیاید. خب! این را شما می‌توانید در محیط علمی، در کلاس درس تأمین کنید. عکس آن هم ممکن است: می‌شود با تعبیراتی، با متلک گفتن به بنیان‌ها و اصول پذیرفته شده کشور، دانشجو را نسبت به آینده کشور بی‌اعتماد کرد، بی‌اعتقاد کرد، لابلایی کرد؛ این هم می‌شود. آنچه از استاد انتظار می‌رود، فقط تغذیه علمی دانشجو نیست، بلکه تقویت روحیه معنوی او و شخصیت معنوی او هم از استاد متوقع



است؛ شما می‌توانید در این زمینه اثر بگذارید. سعی کنید دانشجو را پایبند به تعلّقات معنوی، تعلّقات خانوادگی، تعلّقات میهنی بار بیاورید؛ دانشجو را معتقد و مؤمن به فرهنگ اسلامی بار بیاورید. بعضی به‌عکس عمل کردند در طول سال‌های متمادی قبل از انقلاب؛ بعد از انقلاب هم البتّه تا امروز رگه‌هایی مشاهده شده در دانشگاه‌ها؛ ... جریانی وجود دارد که مرعوب و مغلوب تسلّط فرهنگ غربی است؛ هرچیزِ غربی برای او مایهٔ تمجید [است] و هرچیزِ میهنی و ملی و خودی، مورد تحقیر و اهانت قرار می‌گیرد! داریم کسانی از این قبیل؛ این درست عکسِ آن‌چیزی است که باید باشد. استاد در محیط دانشگاه، در محیط درس، می‌تواند دانشجوی خودش را، هم از لحاظ دینی مؤمن بار بیاورد، هم از لحاظ میهنی، انسان علاقه‌مند به آیندهٔ کشورش و آیندهٔ میهنش و سرنوشت ملتّش بار بیاورد؛ می‌تواند او را امیدوار، باروحيه، خوش‌بین، معتقد به مبانی نظام کشور بار بیاورد؛ می‌تواند هم عکس عمل بکند. توقّعی که از استاد است، این است: نباید سخن استاد موجب دل‌زدگی و یأس دانشجوی جوان بشود؛ مَنش استاد هم همین‌جور است.<sup>۴</sup>

## محیط دانشگاه کار اصلی و دلبستگی استاد

استاد، محیط دانشگاه را کار اصلی خود و دلبستگی اصلی خود بداند؛ نه کار دوّم! نه کار فرعی و تبعی! استاد در دانشگاه مکث داشته باشد، توقّف داشته باشد، حضور داشته باشد، نیازهای علمی دانشجو را برطرف کند، با دانشجو ارتباط برقرار بکند، صرف رفتن و یک ادای تکلیفی به نحو اجمالی انجام دادن و آمدن نباشد؛ ... وقت بگذارند اساتید؛ دلسوزانه با دانشجو برخورد کنند؛ این کار، دانشجو را هم به تلاش علمی وادار خواهد کرد. یعنی این موجب می شود که دانشجو رفتار استاد را در زمینه پیگیری کار علمی برای خودش الگو قرار بدهد و به طور طبیعی تحت تأثیر قرار می گیرد.<sup>۴</sup>

# تدابیر فرهنگی و هنری

- جهت‌گیری فعالیت‌های هنری و تبلیغی
- استفاده از روش‌های هنرمندانه
- مقابله با تهاجم فرهنگی

## جهت‌گیری فعالیت‌های هنری و تبلیغی

### کارکرد شعر، در اتاق فکر مخاطب

کارکرد عمده شعر، تأثیری است که شعر شما بر روی مخاطب می‌گذارد. شما با شعر خودتان، خلوت مخاطب را اشغال می‌کنید. انسان‌ها خلوتی دارند. این از ممیزات انسان است، خلوتی دارند، درونی دارند، حیطه‌بندی اسراری دارند، خودی دارند؛ شما با شعرتان در این خلوت حضور پیدا می‌کنید، بر روی این خلوت اثر می‌گذارید، آن را غنی می‌کنید. این، یکی از مهم‌ترین کارکردهای شعر است. می‌توانید این خلوت را، این خصوصی‌ترین لحظات یک انسان را که حالا مخاطب شما واقع شده است، این مرحله، سرمنزل، یا این جایگاه وجود انسانی را، با شعر خودتان تروتازه نگه دارید؛ منزّه، پاکیزه، لطیف، پر نشاط و پر امید نگه دارید؛ می‌توانید به او

فکر تغذیه کنید، می‌توانید به او رهنمود بدهید؛ چون خلوت انسان‌ها درواقع اتاق فکر شخصی انسان است. هر انسانی در درون خودش یک اتاق فکری دارد که شما با شعرتان - اگر چنانچه این شعر قدرت نفوذ پیدا کرد و توانست در خلوت ذهن انسان‌ها و خلوت دل انسان‌ها و مخاطبین حضور پیدا کند - پای ثابت اتاق فکر مخاطبتان هستید. این یکی از مهم‌ترین کارکردهای شعر شما است. و این چیز مهمی است؛ چون این خلوت، در واقع تأثیرگذار و سازنده شکل جلوت‌ها (آشکاری‌ها) است. افکار انسان، تصمیم‌های مهم انسان، در این خلوت‌ها گرفته می‌شود.

انسان‌ها از عزیزمتگاه این خلوتگاه به راه‌های درست یا غلط، به راه‌های خوب یا بد، حرکت می‌کنند. آنجا جای فهمیدن است، جای تصمیم‌گیری است، جای شکل‌گیری هویت اصلی انسان است. شما می‌توانید در آنجا حضور پیدا کنید و اثر بگذارید. و این یکی از مهم‌ترین کارکردهای شعر است. این خلوت خیلی مهم است.<sup>۶</sup>

## وظیفه مهمّ شعرا، اصلاح هنجارهای اجتماعی

امروز سعی شیاطین این است که بر روی خلوت انسان‌ها، مخاطبین، مردم ما، آحاد ملّت‌ها - حالا ملّت ما یا ملّت‌های دیگر - اثر بگذارند؛ ارزش‌ها را به آنها تزریق کنند و آنها را در اختیار و در سرپنجه ارزش‌ها و افکار خودشان قرار بدهند. اگر شما بتوانید این هنر را، این اقبال را، برای خودتان کسب کنید که بتوانید در خلوت مخاطبیتان حضور پیدا کنید و آن را با معنویات، با ابزارهایی که انسان‌ها را به نشاط، به امید، به تحرّک، به پیشرفت و امیدارد غنی کنید، توفیق بزرگی پیدا کرده‌اید. این همان کاری است که شعرای بزرگ ما در طول صدها سال کرده‌اند. شما ببینید سعدی یا مولوی یا حافظ یا فردوسی یا خاقانی حضور دارند در زندگی معنوی ما، در ذهن ما، در فکر ما و صدها سال توانسته‌اند بر روی ذهنیت جوامع ما تأثیر بگذارند؛ و اینها هستند که هویت حقیقی فرهنگ ملّی را برای ما نگه داشته‌اند و نسل‌به‌نسل و دست‌به‌دست گردانده‌اند. امروز

این وظیفه مهم شعرای ما است. اگر این خلوت انسان‌ها حفظ شد - که شما می‌توانید در این مورد نقش ایفا کنید - آن وقت می‌توان به اصلاح هنجارهای اجتماعی امیدوار شد. هنجارهای اجتماعی را می‌توان از این راه حل کرد؛ یعنی انسان‌ها وقتی از درون درست شدند، اصلاح شدند، جهت‌دار شدند، انگیزه‌دار شدند، امیدوار شدند، با نشاط شدند، می‌توان امیدوار بود که نابهنجاری‌ها اصلاح بشود و هنجارهای اجتماعی در جای خودش، خطّ خودش قرار بگیرد. این یک مطلب است که برای شما شاعران یک فرصت بزرگی است. به اعتقاد بنده خدای متعال این هنر شعر را به شما داده است؛ ای بسا کسانی هستند که اندیشه‌های خوبی هم دارند، اما این وسیله کارآمد در اختیارشان نیست، این حنجره شیوا و گرم و گیرا در اختیارشان نیست که بتوانند آن افکار را منتقل کنند؛ شما این حنجره را دارید، اگر بتوانید از آن خوب استفاده بکنید، به نظر می‌رسد که کار بزرگی کرده‌اید.<sup>۶</sup>

## کارکرد شعر، برای شاعر

شعر در اصل، بُروز اندیشه‌های شاعر، احساسات شاعر، دلتنگی‌های شاعر، حرف‌های شاعر و گفتنی‌های شاعر است. خدای متعال قدرتی به شاعر عطا می‌کند و عطا کرده است که بتواند با ترکیب حروف و کلمات و با موسیقی متناسب، در لباس شیوایی و اثرگذاری، افکار خودش را، نظرات خودش را، احساسات خودش را، دلتنگی‌های خودش را بیان کند، شعر این است. بنابراین، در درجهٔ اوّل، کارکرد شعر این است که پاسخی است به آن نیاز درونی شاعر؛ یک زایش معنوی است از شاعر که می‌تواند مفاهیمی را، معارفی را، حقایقی را منعکس کند از درون خود و بیرون بفرستد؛ دلتنگی‌های خودش را بیان کند. بنابراین، اگر چنانچه شاعر، شعر را این‌جور فرض کند که برای دردهای خود، دردمندی‌های خود، دل خود، بیان می‌کند، این چیز مُستنکری (ناشناخته‌ای) نیست؛ وضع طبیعی و اوّلی شعر این است. شاعر، درون خودش را با این کلمات بُروز می‌دهد؛ لکن کارکرد عمدهٔ شعر این نیست.<sup>۶</sup>



## کارکرد اجتماعی شعر

### در تقویت هویت فرهنگی جامعه

یک مسئله ... در مورد شعر، کارکرد اجتماعی شعر است؛ شعر، حافظِ هویت ملی است، حافظِ هویت ملی. هویت ملت‌ها عبارت است از مشخصه‌های فرهنگی آنها و مزیت‌های فرهنگی آنها؛ این هویت فرهنگی یک ملت را تشکیل می‌دهد. این هویت فرهنگی، اصل است؛ اگر چنانچه این از یک ملتی گرفته بشود، این ملت هضم خواهد شد، یعنی درواقع به معنای حقیقی کلمه نابود خواهد شد؛ حالا در یک مشخصه جغرافیایی قرار می‌گیرد اما چیزی نیست؛ هست، اما بودن او مثل نبودن است؛ هویت فرهنگی، همه حیات یک مجموعه و یک ملت است. شعر می‌تواند این هویت فرهنگی را هم تقویت کند و غنی کند و تغذیه کند؛ که در باب هویت فرهنگی هم باز به شعرای تاریخ خودمان که نگاه می‌کنیم - زبان‌آوران بزرگ - می‌بینیم پیام‌های اینها خیلی باارزش است: پیام توحید است، پیام خداآوری

است، پیام درستکاری است؛ واقعاً منظومه‌هایی که در این مورد وجود دارد حقیقتاً شگفت‌آور است. حالا بنده با اشعار ملت‌های دیگر خیلی آشنایی ندارم؛ با بعضی‌ها که آشنایی داریم، انصافاً شعر فارسی - بوستان سعدی، شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی، دیوان حافظ، مثنوی مولوی - پر از حکمت است؛ یعنی به معنای واقعی کلمه، حکمت موج می‌زند در این کتاب‌ها و اندیشه‌های والا؛ فکرهای بسیار برجسته و فاخر در این کتاب‌ها هست؛ اینها توانسته یک هویتی برای ملت ما تعریف کند. و این را هم به شما عرض بکنم: ما هر چه امتیاز داریم، ناشی از همین هویت فرهنگی است؛ اگر این هویت فرهنگی نبود، انقلاب ما هم پیروز نمی‌شد. اگر این هویت فرهنگی نبود، یک امامی مثل امام ما که نهضت را به وجود آورد و به سرانجام رساند، اصلاً خلق نمی‌شد، درست نمی‌شد. امام بزرگوار، ساخته و پرداخته همین فرهنگ است. همین هویت فرهنگی است که آدمی مثل امام را در جامعه پرورش می‌دهد؛ این را باید

نگه داشت. این را شما می‌توانید نگه دارید. شعر باید پاسدار این هویت باشد و این هویت هم درواقع همان عقلانیت معنوی است که ما روی آن - روی مسئله عقلانیت معنوی و خرد جمعی جامعه - تکیه می‌کنیم؛ این هویت فرهنگی درواقع همان عقلانیت است؛ این را بایستی شما در شعر خودتان مراقبت بکنید، حفظ کنید: اخلاق والای اسلامی را، حکمت معنوی و الهی و اسلامی را، توحید را، خداباوری را، انصاف را، صداقت را و همه آن چیزهایی که در شعر فاخر فارسی وجود دارد. و اگر این انگیزه در شاعر امروز پیدا بشود و اهتمام پیدا کند، آنوقت تهاجمی که دارد به این مرکز می‌شود، برایش آشکار خواهد شد.<sup>۶</sup>

## استفاده از روش‌های هنرمندانه

### شرط اصلی شعرماندگار و اثرگذار

خوشبختانه من می‌بینم که شعرای جوان ما، شعرای انقلاب ما حقیقتاً کارهای خوبی را دارند. عرضه می‌کنند و شعرهای خوبی را بیان می‌کنند. البته همهٔ اینها در صورتی است که شعر از مایهٔ هنری برخوردار باشد؛ این توصیهٔ همیشگی ما است. شعر فقط معنا نیست، فقط مضمون نیست، و ترکیب و شاکلهٔ هنری و بافت و اسلوب هنری، شرط اصلی است تا بتواند انشاءالله ماندگار و اثرگذار باشد.<sup>۶</sup>

## مقابله با تهاجم فرهنگی

### تکلیف و ایفاء نقش شاعر در تبیین حقایق

بعضی‌ها اشکال کارشان این است که اصل تهاجم را اصلاً نمی‌بینند، درک نمی‌کنند. اینکه یک جبهه‌ای وجود دارد که سوگندخورده ریشه‌کن کردنِ هویت ملی و اسلامی و فرهنگی ملت ما است، را اصلاً درک نمی‌کنند؛ این‌همه علائم، نشانه‌ها، ظواهر وجود دارد، نمی‌فهمند؛ گفت: «وین گلّه را نگر که چه آسوده می‌چرد»؛ آسوده می‌چرند و اصلاً ملتفت نیستند؛ اشکال کارشان اینجا است. شاعر به‌خاطر روح هنر و به‌خاطر آن نگاه تیزبین، وقتی این دغدغه، این درد، این احساس در او وجود دارد، این تهاجم را طبعاً احساس می‌کند و درصدد مقابله با این تهاجم بر می‌آید که این از جمله کارهای مهم است؛ و به‌نام خدای جان و خرد، از جان و خرد این ملت دفاع می‌کند و حمایت می‌کند؛ این، خصوصیت شعر - این هنرِ والا و با ارزش - است؛ است؛ که البته دایره این کار و محدوده این کار، فقط هم ملت

نیست، بشریت است؛ یعنی با یک نگاه به بشریت  
 دنیای امروز، دنیای گشوده شدن دست تطاول (تعدی،  
 ظلم) به همه ارزش‌های انسان‌ها است - چه  
 ارزش‌های مادی‌شان، چه ارزش‌های معنوی‌شان،  
 دست تطاول به استقلال ملّت‌ها، به ثروت ملّت‌ها،  
 به دین و معنویت ملّت‌ها، به ناموس ملّت‌ها و به  
 اخلاق ملّت‌ها. دست تطاول گشودند قدرت‌ها با  
 ابزار علم - که برایشان ثروت هم به بار آورده  
 است و به دنبال آن، تبلیغات پرحجم دنیا هم در  
 اختیار آنها است - و هر کاری دلشان می‌خواهد،  
 امروز با دنیا دارند می‌کنند و خیلی راحت حقایق  
 را دگرگون می‌کنند. ... خب! انسانی که شاعر  
 است، یعنی دارای نیروی شعور و درک و فهم و  
 قوّت بیان و قدرت بیان است، اینجا تکلیفش  
 چیست؟ چه کار باید بکند؟ علاوه بر اینکه شما  
 می‌توانید حکمت را بیان کنید - که: «إِنَّ مِنَ الشَّعْرِ  
 لِحِكْمَةٍ» - (من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۹) می‌توانید  
 مصداقی باشید برای: «وَلَمَنْ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ» (شورا، ۴۱)

یا «وَأَنْتَصِرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا» (شعراء، ۲۲۷) که در ذیل همین آیه شریفه مربوط به شعرا است: «وَأَنْتَصِرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا» می‌توانید مصداق این باشید. «انتصار» (کمک و یاری) کنید، در صدد یاری جبههٔ مظلوم بریایید، حقیقت را بگویید، حرف را بگویید، حقیقت را نشان بدهید با شعرتان؛ می‌توانید خیلی نقش ایفا کنید در این زمینه‌ها. بالاخره داشتن این امتیاز، یک نعمت الهی است؛ یک حجت الهی است؛ و هر نعمتی سپاسی دارد و برای هر حجتی پاسخی باید آماده بشود.<sup>۶</sup>

### پیامد تغییر مسیر فرهنگ

ضروری است در عرصه فرهنگی، سیاست‌های نظام به درستی درک و اعمال شود. ... هرگونه تغییر مسیر فرهنگ از چارچوب نظام اسلامی، موجب برهم خوردن انتظام فکری و هویت واقعی جامعه خواهد شد. ... خطاها و اشتباهات فرهنگی به راحتی قابل جبران نیست.<sup>۷</sup>



# تدابیر مدیریتی

- بهره‌گیری از کارشناسان
- جهت‌گیری در مدیریت

## بهره‌گیری از کارشناسان

استفاده از نظرات اساتید

در برنامه‌ریزی‌های کشور

برادران و خواهران عزیز، اساتید محترم دانشگاه؛ مجموعه دانشمندانی که در اینجا حضور دارید. ... مطالبی که در اینجا گفته می‌شود - که غالباً مفید و دارای ژرف‌نگری و پشتوانه فکری و

علمی است - ... هرکدام از شما مطالبی برای گفتن دارید که اگر اقبالی و توفیقی برای شنیدن آنها می‌بود، یقیناً فوایدی بر آن مترتب بود. و امیدواریم این سخنان، این افکار در جای خود به شکل مناسب، در مجامع علمی، در مبادلات دانشگاهی مطرح بشود، و مسئولین از این نظرات، از این افکار استفاده کنند. و یقیناً آنچه مجموعه اندیشه‌های دانشمندان و ژرف‌نگران ما در سطح دانشگاه کشور، نسبت به مجموع مسائل کشور خواهند داشت، مجموعاً یک ثروت بزرگی را به دست‌اندرکاران مدیریت کشور تقدیم خواهد کرد و ارائه خواهد کرد، که امیدواریم مورد استفاده قرار بگیرد. ... ان‌شاءالله از مجموع این بیانات هم در برنامه‌ریزی‌ها، در تبادل نظر با مسئولین اجرایی کشور استفاده خواهد شد و باید اثر آن ان‌شاءالله دیده بشود.<sup>۴</sup>

## جهت‌گیری در مدیریت

### سفارش همیشگی و مؤکد به رؤسای قوا

سفارش همیشگی و مؤکد من به رؤسای قوا، افزایش همکاری‌ها است که این همکاری‌ها شامل دو عرصه مسائل درون دستگاهی، و مسائل کلان کشور است. ... در مجموعه نظام اسلامی باید در مسائل گوناگون، «هم‌صدایی» از رؤسای قوا شنیده شود. ... همکاری‌ها و همفکری‌های رؤسای سه قوه می‌تواند به گسترش مواضع [بسیار خوب، متقن، مستدل] در بخش‌های مختلف حکومت کمک کند. ... مصالح ملی کشور از همه امور بالاتر است، ... رؤسای سه قوه باید جلسات مشترک خود را بیشتر کنند زیرا این نشست‌ها به باز شدن گره‌ها و پیشرفت امور و بر طرف شدن برخی گلايه‌گذاری‌ها کمک زیادی می‌کند. ... گره‌هایی که در کشور وجود دارند و حتی آنچه که برای برخی توهم گره بودن است، همه قابل بازگشایی است به شرط آنکه قدری به خودمان و توانایی‌های داخلی تکیه کنیم.<sup>۱</sup>

## نیاز مبرم مسئولان

### به کار جدّی همراه با اخلاص

یکی از برکات ماه مبارک رمضان دعاها و دعاهایی است که در این ماه وارد شده است. این دعاها، هم کیفیت سخن گفتن با خدا و استعانت از پروردگار و توجّه به خدا را به ما تعلیم می‌دهد، هم معارف بسیاری را که نظیر آن را انسان حتّی در روایات متعارف اخلاقی پیدا نمی‌کند، به ما تعلیم می‌دهند. من دو فقره از دعا‌های این ماه را انتخاب کرده‌ام که اینجا در آغاز عرایض عرض کنم. انتخاب این دو فقره هم به خاطر نیاز امروز من و شما است؛ ما امروز به عنوان مسئولان کشور عزیزمان و مسئولان نظام جمهوری اسلامی، احتیاج مبرمی داریم به کار جدّی و پیگیر و همراه با صفا و اخلاص؛ این دعاها ما را به این سمت حرکت می‌دهد. یک دعا، دعای روز اوّل ماه مبارک رمضان است که من از این دعا، این فقره را انتخاب کرده‌ام: «اللّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ نَوَى فَعْمَلٍ وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنْ شَقَى فَكْسَلٍ وَ لَا مِنْ هُوَ عَلَى غَيْرِ عَمَلٍ يَتَّكِلُ»؛ (اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲۳) سه جمله است.

**جملهٔ اوّل** عرض می‌کند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ نَوَى فَعَمِلَ»؛ پروردگارا! ما را از کسانی قرار بده که با نیت، با قصد، با معرفت عمل انجام می‌دهند؛ عملِ هدف‌دار، عمل همراه با نیت، عملی که از پیش معلوم است که در چه جهتی و به سمت چه مقصدی است.

**جملهٔ دوّم:** «وَلَا تَجْعَلْنَا مِمَّنْ شَقِيَ فَكْسِلَ»؛ ما را از آن تیره‌روزانی قرار نده که دچار تنبلی و بیکارگی هستند. کسالت یعنی تنبلی، یعنی بیکارگی؛ ما را از اینها قرار نده. دعا این را به ما تعلیم می‌دهد.

**جملهٔ سوّم:** «وَلَا مِمَّنْ هُوَ عَلَى غَيْرِ عَمَلٍ يَتَكَلَّ»؛ ما را از کسانی قرار نده که تکیه‌شان به چیزی غیر از عمل است. نشستن و آرزو کردن و حرافی کردن و بافتن مطالبی به یکدیگر در جلسات، بدون اینکه عملی به دنبال آن باشد؛ ما را از اینها قرار نده. ببینید: درس موجود در این دعا این است. مؤمن در روز اوّل ماه رمضان با این نفَس وارد این ضیافت الهی می‌شود. خود این یکی از مائده‌های بزرگ این ضیافت است. این یک دعا.

دعای دوّم، دعای هرروز ماه مبارک است؛ در این دعا عرض می‌کند: «وَ أَذْهَبْ عَنِّي فِيهِ النَّعَاسَ وَ الْكَسَلَ وَ السَّامَةَ وَ الْفَتْرَةَ وَ الْقَسْوَةَ وَ الْغَفْلَةَ وَ الْغِرَّةَ»؛ (اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲۶) پروردگارا! من را از این خصلت‌ها و از این خصوصیات برکنار بدار؛ این خصوصیات اینهاست: اوّل «النَّعَاس»، خواب‌آلودگی؛ دوّم «الكَسَلَ»، یعنی همان بیکارگی و تنبلی؛ سوّم «السَّامَةَ»، ملول شدن، از یک چیزی دل‌زده شدن، دل‌زدگی؛ بعد «الْفَتْرَةَ» یعنی سهل‌انگاری، کارها را با سهل‌انگاری گذراندن، در کارها استحکام را رعایت نکردن؛ بعد «الْقَسْوَةَ»، سخت‌دلی، تحجّر، عدم انعطاف؛ بعد «الْغَفْلَةَ»؛ غافل شدن و گیج خوردن از موقعیت خود و آنچه دارد می‌گذرد و آنچه پیش روی ما است و آنچه پیرامون ما است؛ و آخری «الْغِرَّةَ»؛ فریب‌خوردگی، مغرور شدن، فریب خوردن؛ من را از اینها برحذر بدار. ببینید اینها چه درس‌هایی است. خب! کاربرد این مفاهیم - که مفاهیم متعالی بسیار برجسته‌ای

است - برای مسئولان و دارندگان شئون کاری و جمعی، خیلی مهم‌تر از کاربرد آن در مورد افراد معمولی و عادی است. اینکه ما می‌گوییم: ما را دچار تنبلی مکن، دچار قسوت نکن، دچار غفلت نکن، از دو نظر محتاج این درخواست الهی هستیم و محتاج این مراقبت‌ایم: یکی از نظر شخصی خودمان که نلغزیم، اشتباه نکنیم، دچار مشکل نشویم؛ یکی از نظر حوزه مأموریت‌مان و مسئولیت‌مان. شما مثل ناخدایی هستید که دارد کشتی را می‌راند، مثل خلبانی هستید که دارد هواپیما را سیر می‌دهد؛ مسئله شما فقط مسئله حفظ جان خودتان نیست؛ فرق می‌کنید با آن کسی که سوار اتومبیل شخصی خودش است و تنها دارد در جاده حرکت می‌کند؛ مسئولیت او فقط مسئولیت جان خودش است؛ شما نه! جماعتی با شما هستند. اینها است که کفّه مسئولیت را و لزوم تعهد را در مورد این مسائل که ذکر شد، سنگین‌تر می‌کند.<sup>۵</sup>



## تأثیر متقابل

### شیوه‌های مدیریت اقتصادی و فرهنگی

نکته دیگری که ... می‌خواهم روی آن تأکید کنم، ارتباط بین شیوه‌های مدیریت اقتصادی و فرهنگ جامعه است. اینکه «در دهه ۷۰ ما مسئله تهاجم فرهنگی را مطرح کردیم درحالی‌که تهاجم، تهاجم اقتصادی بود» این حرف درستی است؛ ما این را رد نمی‌کنیم؛ لکن نگاه به فرهنگ به‌عنوان یک مسئله اصیل و مسئله حیاتی، حتماً بایستی مورد توجه همه در همه سطوح باشد. همان‌وقت، اعتراض‌هایی به شیوه‌های مدیریت اقتصادی هم می‌شد؛ اما آنچه اهمیت داشت و امروز هم حائز اهمیت است، نگاه به جهت‌گیری‌های فرهنگی است. البته ما قبول داریم که شیوه مدیریت اقتصادی تأثیراتی بر روی فرهنگ می‌گذارد، همچنان‌که عکس قضیه هم صادق است.<sup>۸</sup>



# تدابیر سیاسی و اجتماعی

• دشمن‌شناسی و شناخت شیوه‌های دشمن

• افزایش بصیرت، قدرت تحلیل و هدایت سیاسی

• اقتدار ملی

• حفظ ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب

• آزاداندیشی و استفاده از نظرات مختلف

• حضور در صحنه‌ها و عرصه‌های اجتماعی

## دشمن‌شناسی و شناخت شیوه‌های دشمن

### حمایت غرب از تروریسم

#### عرصه رسوایی کامل مدعیان حقوق بشر

مطالعه و تأمل در جنایت عظیم هفتم تیر نشان می‌دهد دستگاه ظلم جهانی که در مقابل «منطق جمهوری اسلامی و تفکر و فرهنگ ملت ایران»، احساس ضعف و شکست می‌کرد، علاوه بر عوامل این جنایت وحشیانه، عوامل ترور حدود ۱۷ هزار نفر از مسئولان و مردم این سرزمین را نیز مورد

حمایت قرار داد. ... هفتم تیر، عرصه رسوایی کامل مدعیان حقوق بشر[است]. ... مسببان آن جنایت و عوامل ترور هزاران ایرانی، از آن زمان در آغوش غربی‌ها قرار دارند و هم اکنون نیز در پارلمان‌ها و مراکز دولتی آمریکا و غرب مورد استقبال قرار می‌گیرند. ... در حالیکه مدعیان غربی طرفداری از حقوق بشر، عوامل ترورهای خونین ملت ایران را در آغوش می‌گیرند، جمهوری اسلامی ایران که خود قربانی تروریسم و نقض حقوق بشر است، به اینگونه اقدامات متهم می‌شود و این واقعیات، ملاک خوبی است برای سنجش ادعاهای غربی‌ها. ... آمریکا و اروپا، با وجود بمباران‌های شیمیایی مردم سردشت (در هشتم تیر ۱۳۶۶) و قبل از آن مردم حلبچه[به دست رژیم بعثی صدام] ... سال‌ها رژیم بعث را مورد تأیید و حمایت قرار می‌دادند و تا وقتی امکان استفاده از صدام فراهم بود، هیچ اعتراضی به او نمی‌کردند، که این نیز ملاک دیگری برای روشن شدن حقیقت ادعاهای غربی‌هاست.<sup>۲</sup>

## نقش سرویس‌های امنیتی و جاسوسی دشمنان در صحنه‌گردانی اسلام آمریکایی

آنچه دیده می‌شود در دنیای اسلام این است که: به نام اسلام، دشمنان اسلام در پوشش اسلام با اسلام مقابله می‌کنند؛ همان تعبیری که امام بزرگوار علیه السلام فرمود: اسلام آمریکایی، در مقابل اسلام ناب محمدی. (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۲۰) اسلام آمریکایی، اسلامی است که با طاغوت می‌سازد، با صهیونیسم می‌سازد، در خدمت هدف‌های آمریکا قرار می‌گیرد، ظاهر آن هم اسلام است، اسم آن هم اسلام است، شاید بعضی از مراسم اسلامی را هم انجام می‌دهند؛ اگرچه آن‌طوری که انسان می‌شنود - حالا ما اطلاع خیلی دقیقی نداریم - این کسانی که به نام اسلام، با شکل تعصّب‌آمیزی در برخی از کشورها ... ظهور و بروز پیدا کردند، خیلی هم پایبند به احکام و شرایع دینی و وظایف دینی شخصی هم نیستند؛ امّا آنچه مسلم است، در جهت کلی، قطعاً ۱۸۰ درجه در جهت مخالف اسلام حرکت می‌کنند. اسلام همراهی با دشمنان دین را،

ولایت دشمنان دین را، ولایت مستکبرین را جزو چیزهایی دانسته است که مؤمن باید از آن بر کنار باشد: «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ»؛ (نساء ۷۶) اگر شما با نام اسلام، در راه طاغوت حرکت می‌کنید، کشف بکنید که این اسلام، اسلام درست و حسابی‌ای نیست، اسلام واقعی نیست، یک‌جای کار عیب دارد؛ امروز این جور است! البته انسان دست‌های دشمن را می‌تواند ببیند؛ باید باور کرد که دست خبیث سرویس‌های امنیتی و جاسوسی رژیم‌های دشمن اسلام در ایجاد این جور قضایا و این جور بلواها برای مسلمان‌ها - حالا یا مستقیم یا غیر مستقیم - نقش حتمی دارند؛ آنها هستند که دارند صحنه‌گردانی می‌کنند، کما اینکه انسان مشاهده می‌کند؛ نشانه‌ها و دلایل آنها هم آشکار است. اگر امت اسلامی با معارف قرآن انس داشته باشد، بیشتر آشنا باشد، این جور حوادث کمتر پیش می‌آید. ارتباط و اتصال دل‌ها به خدا مانع می‌شود از اینکه دل‌ها به راه خدا خیانت کنند؛ که امیدواریم این پیش بیاید.<sup>۳</sup>

## افزایش بصیرت، قدرت تحلیل و هدایت سیاسی

**خصومت جدی نظام سلطه با نظام اسلامی**

یکی از چالش‌های اصلی کشور، خصومت و مخالفت جدی نظام سلطه غرب با نظام اسلامی است که باید این حقیقت را فهمید و درک کرد. ... علت اصلی دشمنی نظام سلطه با جمهوری اسلامی ایران، «سخن نو» نظام اسلامی و «متزلزل شدن بنای نظام سلطه» است. ... اگر خصومت نظام سلطه را متوجه نشویم، در تحلیل مسائل کشور دچار اشتباه خواهیم شد. ... کسانی که حاضر نیستند برخورد خصمانه جبهه دشمن را ببینند، همانند کسانی هستند که چشم خود را به روی دشمن می‌بندند.<sup>۱</sup>



## شکست قطعی جبهه سلطه‌گران

### با هوشیاری ملت‌ها و مسئولان

ملت ایران با پایداری و تحمل هزینه، منطق خود را در رویارویی با دشمنان پیروز کرده است به‌گونه‌ای که هر انسان منصفی، امروز، جمهوری اسلامی و ملت ایران را مظلوم اما «مقتدر، عزیز، مستقل و رو به پیشرفت» می‌داند که این راه به فضل الهی و به برکت وفاداری مردم به راه شهیدان، با شتاب و قدرت بیشتر ادامه خواهد یافت. ... مستکبران جهان که از امام و انقلاب و ملت ایران متنفراند دست از حيله‌ها و توطئه‌های خود بر نمی‌دارند به همین علت ملت و مسئولان باید کاملاً هوشیار و مراقب باشند. ... دشمنان اسلام امروز بر روی ایجاد جنگ‌های داخلی میان ملت‌ها سرمایه‌گذاری کرده‌اند تا مردم را با عناوین قومی و مذهبی به جان یکدیگر بیندازند. ... در عراق، دنباله‌ها و تفاله‌های رژیم صدام به همراه عده‌ای انسان‌های غافل، جاهل و دور از فهم و معنویت، دست به جنایت می‌زنند و دشمنان، این

حوادث را جنگ شیعه و سنی می‌نامند. اما این فقط یک آرزوست. ... آنها به دروغ حوادث عراق را جنگ شیعه و سنی می‌نامند. اما این جنگ، جنگ تروریسم با مخالفان تروریسم، جنگ دلبستگان به اهداف آمریکا و غرب با طرفداران استقلال ملت‌ها و جنگ انسانیت با بربریت و وحشیگری است. ... ملت‌ها باید هوشیارانه این تحرکات را زیرنظر داشته باشند و بدانند دشمن برای از بین بردن استقلال و عزت مسلمانان، از هیچ کاری ابا ندارد. ... ملت عزیز و شجاع ایران، به فضل الهی، تاکنون دشمن را با «وحدت و هوشیاری و بصیرت»، ناکام گذاشته و بدون تردید از این پس نیز، همه حملات و توطئه‌های استکبار را بی‌نتیجه خواهد گذاشت و جبهه سلطه‌گران در نهایت در مقابله با بیداری اسلامی، قطعاً شکست خواهد خورد.<sup>۲</sup>

## ضرورت شناخت چالش‌های جامعه اسلامی

جامعه اسلامی امروز با چالش‌های جدی روبه‌رو است؛ مکرر عرض کردیم: توجّه به چالش‌ها به معنای این نیست که ما احساس کنیم که دشمن قوی است و بر ما غلبه پیدا خواهد کرد. این جور نیست! جامعه اسلامی با چالش‌ها مواجه است و مواجهه با چالش‌ها یک فرصتی است برای اینکه اسلام بتواند از مراحل سیر تاریخی حرکت به‌سوی اعتلای مورد نظر، ان‌شاءالله یک پله دیگر، یک حرکت دیگر، یک مرحله دیگر پیش برود؛ امروز این‌جوری است. ما در دوره‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و قبل از بیداری اسلامی، دنیای اسلام را در حال غفلت می‌دیدیم؛ امروز دنیای اسلام در حال آگاهی است. حوادثی هم که در دنیای اسلام رخ می‌دهد، به کمک آگاهی امت اسلامی می‌آید؛ ما را آگاه‌تر می‌کند، روشن‌تر می‌کند، وظایف ما را برای ما مشخص‌تر می‌کند. دشمنان اسلام از این بصیرت مؤمنین و امت اسلامی بیمناک‌اند؛ ما این بصیرت را باید روزبه‌روز تقویت بکنیم؛ اولین مرحله همین است که این چالش‌ها را بشناسیم.<sup>۳</sup>

## تهدید و تطمیع

### راه نفوذ شیطان در دستگاه محاسبه ما

کار شیطان اغوا کردن است؛ اغوا یعنی چه؟ یعنی ایجاد اختلال در دستگاه محاسبه شما ... سعی شیطان این است که شما را اغوا کند، یعنی دستگاه عقل را، دستگاه فطرت را، دستگاه سنجش صحیح را که در وجود انسان گذاشته شده است، از کار بیندازد؛ یعنی انسان را دچار خطای در محاسبه کند. ... تأثیر شیطان در دستگاه محاسبه ما، از راه تهدید و تطمیع است؛ از یک طرف ما را می‌ترساند: آیه شریفه قرآن در سوره مبارکه آل عمران [می‌فرماید]: «إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». (آل عمران ۱۷۵) در قضیه غزوه‌ای که بعد از اُحد اتفاق افتاد - که آمدند شایعه کردند که دشمن آمد، پدرتان درآمد، همه چیزتان از دست رفت - پیغمبر فرمود: آن کسانی که امروز در جنگ اُحد زخمی شدند، همان‌ها شمشیر بردارند و بیایند؛ اگر هیچکدامتان هم نیایید، من تنها خواهم رفت. پیغمبر اکرم راه افتاد، کسانی که آن روز در اُحد زخمی شده بودند، شمشیر برداشتند با پیغمبر راه

افتادند. رفتند و دشمن را که در نزدیک مدینه - [خبر] درست بود - کمین کرده بود و قصد داشت که حمله کند، به صورت غافلگیرکننده، تارومار کردند و برگشتند: «فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّسْهُمْ سُوءٌ»؛ (آل عمران ۱۷۴) بعد می فرماید که: «إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ». (آل عمران ۱۷۵) یکی از کارهای شیطان ترساندن است: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ»؛ (بقره ۲۶۸) شما را از فقر می ترساند - بنابر یک احتمال در معنای این آیه شریفه - این تهدید بود، از طرف دیگر تطمیع است؛ از سوی دیگر وعده می دهد شیطان، وعده های فریبنده؛ اینجا هم آیه شریفه قرآن می فرماید: «يَعِدُّهُمْ وَيُمْنِيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا»؛ (نساء ۱۲۰) وعده می دهد، آرزوها را در دل آنها بیدار می کند، زنده می کند، یک آینده رنگی و دروغین و خیالی مثل سراب در مقابل چشم مؤمنین به خود می گذارد: «وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا»؛ (نساء ۱۲۰) اما فریب است. از یک طرف تهدید، از یک طرف تطمیع؛ مثل رفتاری که امروز آمریکا دارد و قدرت های استکباری همیشه [دارند]؛ از یک

طرف تهدید می‌کند، از یک طرف تطمیع می‌کند. تطمیع، فقط تطمیع شخصی نیست؛ تطمیع‌های کلی: «چنین می‌کنیم، چنان می‌کنیم»؛ بعد هم نمی‌کنند، دروغ می‌گویند؛ کار شیطان این است.

همه این کارهایی که شیطان انجام می‌دهد - این اغوا، این تهدید و تطمیع - برای این است که دستگاه محاسباتی انسان مؤمن را از کار بیندازد تا محاسبه غلط انجام بدهد؛ وقتی دستگاه محاسباتی از کار افتاد، کار خراب می‌شود. محاسبه غلط، یکی از بزرگ‌ترین خطرهای است؛ گاهی حیات انسان را تهدید می‌کند؛ گاهی سرنوشت انسان را تهدید می‌کند؛ چون توان انسان، نیروی انسان، توانایی‌های انسان، تحت سرپنجه اراده او است، و اراده انسان تحت تأثیر دستگاه محاسباتی او است: اگر دستگاه محاسباتی بد کار کرد، اراده انسان تصمیمی می‌گیرد و در جهتی می‌رود که خطا است؛ آن‌وقت نیروهای انسان، همه توانایی‌های انسان در این جهت خطا به کار می‌افتد؛ این آن چیزی است که باید مراقب آن باشید!<sup>۵</sup>

## هدف استکبار

### ایجاد اختلال در نظام محاسباتی مسئولان

ما امروز در محاسباتمان نباید دچار اشتباه بشویم؛ نگذارید دشمن در دستگاه محاسباتی شما اثر بگذارد! نگذارید اغوا کند! نگذارید تطمیع او یا تهدید او اثر بگذارد! ... آنچه ما امروز در مجموعه رفتار دستگاه استکبار مشاهده می‌کنیم، همین است؛ هدف ایجاد اختلال در نظام محاسباتی و دستگاه محاسباتی من و شما است. در میدان‌های دیگر، استکبار نتوانسته است، کاری از او برنیامده است. در میدان‌های واقعی، تنها دو عامل مادی در اختیار جبهه استکبار بوده و هست: یکی تهدید نظامی، یکی تحریم. استکبار غیر از این دو هیچ چیز در اختیار ندارد. از لحاظ قدرت منطق، قدرت استدلال، توانایی بر اثبات حقیقت، دست استکبار بسته است. تنها دو کار می‌تواند بکند: یکی تهدید نظامی است که مرتب می‌کند. یکی هم تحریم؛ این دو هم علاج دارد. تحریم را با مجاهدت در باب اقتصاد مقاومتی بایستی خنثی کرد. ... من بارها در

همین جلسه و جلسات گوناگون دیگر عرض کرده‌ام (از جمله، در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳۹۱/۵/۳) که [موضوع] هسته‌ای بهانه است؛ مسئله هسته‌ای هم نباشد، یک بهانه دیگری می‌آورند: مسئله حقوق بشر هست، مسئله حقوق زنان هست، مسائل گوناگون فراوان را می‌سازند؛ جعل کردن و بهانه‌گیری که خیلی مایه‌ای نمی‌خواهد. دستگاه تبلیغاتی و امپراتوری تبلیغاتی هم که در اختیار آنهاست.

بنابراین، علاج مسئله تحریم، عبارت است از همین اقتصاد مقاومتی. ... اما مسئله تهدید نظامی؛ امروز در دنیا کمتر کسی است که تهدید نظامی را جدی بگیرد؛ حالا آمریکایی‌ها می‌گویند: ایرانی‌ها جدی نمی‌گیرند؛ ما فقط نیستیم که جدی نمی‌گیریم؛ در دنیا، خیلی‌ها هستند که این تهدید را جدی نمی‌گیرند. ... در زمینه تهدید نظامی، دست دشمن خالی است: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران ۱۳۹) اگر ما [مؤمن باشیم]، دشمن در میدان واقعی کاری



نمی‌تواند بکند. خب! حالا که کاری در میدان واقعی نمی‌تواند انجام بدهد و دستش از تأثیرگذاری خالی است، راه علاج دشمن چیست؟ راه علاج این است که دستگاه محاسبه طرف مقابل را دچار اختلال کند؛ دستگاه محاسباتی من و شما را!! این کار را هم با تبلیغات، با کار سیاسی، با تماس‌های گوناگون دنبال می‌کنند.<sup>۵</sup>

## خالی بودن دست آمریکایی‌ها

### از تهدید نظامی و تحریم‌ها

آنچه ما امروز در مجموعه رفتار دستگاه استکبار مشاهده می‌کنیم، ... یکی تهدید نظامی، یکی تحریم. استکبار غیر از این دو هیچ چیز در اختیار ندارد. ... این دو هم علاج دارد. تحریم را با مجاهدت در باب اقتصاد مقاومتی بایستی خنثی کرد. ... علاج مسئله تحریم، عبارت است از همین اقتصاد مقاومتی. ... اما مسئله تهدید نظامی؛ امروز در دنیا کمتر کسی است که تهدید نظامی را جدی بگیرد؛ حالا آمریکایی‌ها می‌گویند: ایرانی‌ها جدی نمی‌گیرند؛ ما فقط نیستیم که جدی نمی‌گیریم؛ در دنیا، خیلی‌ها هستند که این تهدید را جدی نمی‌گیرند. ناظران جهانی خیلی باور ندارند که این تهدید، تهدید جدی است؛ چون تشخیص ناظران جهانی و آگاهان به سیاست این است که اگر حمله نظامی برای آمریکا مقرون به صرفه بود، یک لحظه تأمل نمی‌کرد. اینها از اینکه یک عده‌ای کشته خواهند شد، یک جایی بحران به وجود خواهد

آمد، از این ناراحت می‌شوند؟! کسانی که هشت سال از گرگی به نام صدام با همه وجود حمایت کردند، کسانی (آمریکایی‌ها) که هواپیمای مسافربری (ایران) را روی آسمان (جزیره هنگام ۱۳۶۷/۴/۱۲) بدون هیچ بهانه‌ای زدند و چند صد نفر را - زن و مرد و کودک بی‌خبر و بی‌گناه را - نابود کردند و به خون کشیدند، اینها از آدمکشی می‌ترسند؟! کسانی که هر جا دستشان رسیده است و توانسته‌اند بحران‌سازی کردند؛ این اجتماعات رنگی - به قول خودشان «انقلاب‌های رنگی» - در این کشورها [به وجود آوردند، در] کدام یک از اینها است که قدرت‌های استکباری و در مقدم آنها آمریکا پیشقدم [نباشد] و حضور نداشته باشد؟! داخل کشورها بحران‌سازی می‌کنند، حالا این بحران‌ها به کشتار بینجامد، به جنگ داخلی بینجامد، برایشان مهم نیست. ... اینها از آدمکشی می‌ترسند؟! اینها از کشته شدن انسان‌ها باک دارند؟ [به این چیزها] اهمیت می‌دهند؟

مسئله این نیست که تهدید نظامی به خاطر این است که نمی‌خواهند. مکرّر می‌گویند: اسرائیل تهدید نظامی می‌کند، آمریکا مانع می‌شود! خب! چرا آمریکا مانع می‌شود؟ اگر این حرف واقعیت داشته باشد، اگر این حرف راست باشد، به خاطر چیست؟ خیلی وجدانشان آزرده می‌شود از اینکه حمله نظامی به یک کشوری بشود، یک عده‌ای کشته بشوند؟ نه! مقرون به صرفه نمی‌دانند. بنده هم قاطعاً می‌گویم: حمله نظامی به جمهوری اسلامی ایران برای هیچ کشوری مقرون به صرفه نیست. ...

بنابراین ... در زمینه تهدید نظامی، دست دشمن خالی است: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ (آل عمران ۱۳۹) اگر ما [مؤمن باشیم]، دشمن در میدان واقعی کاری نمی‌تواند بکند. خب! حالا که کاری در میدان واقعی نمی‌تواند انجام بدهد و دستش از تأثیرگذاری خالی است، راه علاج دشمن چیست؟ راه علاج این است که دستگاه محاسبه طرف مقابل را دچار اختلال کند؛

دستگاه محاسباتی من و شما را!! این کار را هم با تبلیغات، با کار سیاسی، با تماس‌های گوناگون دنبال می‌کنند؛ می‌دانند که جمهوری اسلامی برای رسیدن به هدف‌های خود دارای توان است؛ باید نخواهد؛ اگر «خواست»، می‌تواند؛ می‌خواهند کاری کنند که نخواهد. امروز تلاش دنیای استکبار و در رأس آنها آمریکا است و این همان جنگ نرمی است که ما از چند سال قبل از این درباره آن بحث کردیم، حرف زدیم؛ دیگران هم گفته‌اند و نوشته‌اند و بحث کرده‌اند.<sup>۵</sup>

## عناصر تشکیل دهنده محاسبات

### نظام جمهوری اسلامی ایران

محاسبات ما را نمی‌توانند عوض کنند. محاسبات جمهوری اسلامی از روز اوّل براساس منطق عقلانی بوده است. براساس یک قوّه عاقله‌ای بوده است. عناصری که این محاسبات را شکل می‌داده اینها است: اوّل، اعتماد به خدا و سنن آفرینش؛ دوّم، بی‌اعتمادی به دشمن و شناخت او. از جمله موارد اعتماد به خدا و سنن آفرینش، اعتماد به مردم است؛ اعتماد به ایمان‌هاست؛ اعتماد به محبّت‌هاست؛ اعتماد به انگیزه‌های صادقانه است؛ اعتماد به صدق مردم است - که امام بزرگوار ما مظهر این اعتماد بود - اعتقاد به خودباوری و اینکه «ما می‌توانیم»؛ تکیه به عمل و پرهیز از بیکارگی؛ اعتماد به نصرت الهی؛ تکیه به تکلیف و مجاهدت در راه تکلیف؛ اینها آن چیزهایی است که از روز اوّل تا امروز مجموعه عناصر قوّه عقلانی نظام اسلامی را - که پایه و زیربنای حرکت او بود - شکل داده است؛ بیانات امام را مراجعه کنید؛ فرمایشات امام مملو و مشحون از همین معارف و معانی است؛ بهره‌گیری از

تجربه‌ها، تجربه رفتار قدرت‌های مستکبر با ملت‌های زیردست؛ مجاهدت برای استقلال، مستقل ماندن، مستقل زیستن. استقلال یعنی چه - حالا بعضی‌ها در اصل مفهوم استقلال خدشه می‌کنند که یعنی چه استقلال - استقلال یعنی آزادی از ارادهٔ بیگانگان و ارادهٔ دیگران؛ این معنای استقلال است؛ این را هیچ عقلی می‌تواند انکار کند؟ معنای استقلال این است که یک ملتی سرنوشت خودش را خودش تعیین کند. این کشور سال‌های متمادی دچار استقلال نبود؛ استقلال ظاهری سیاسی بود، اما مغزافزار این نظام و این کشور دست دیگران بود؛ آنها بودند که تصمیم می‌گرفتند؛ آنها بودند که کار می‌کردند؛ افرادی هم در داخل بودند، بعضی دلبستهٔ آنها، بعضی هم نه‌چندان دلبسته، اما مجبور و ناگزیر دنبال آنها راه می‌افتادند. استقلال، ایستادگی در مقابل یک چنین حالتی است.

خب! مخالفت استکبار با این عقلانیت است. اگر کسی خیال کند که اسم اسلام موجب می‌شود که با جمهوری اسلامی مخالف باشند، نه! اسم اسلام و ظواهر اسلامی و تشریفات اسلامی هیچ کس را به

مخالفت وادار نمی‌کند. امام یک وقتی در یکی از صحبت‌هایشان می‌فرمودند: (صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۹۳) وقتی که انگلیس‌ها در دههٔ دوم قرن بیستم - هزار و نهصد و خرده‌ای - آمدند وارد عراق شدند و مسلط شدند، بعد آن فرمانده نظامی انگلیسی دید یک نفری فریادی بلند کرده، دارد صدایی می‌زند، دستپاچه شد - روی مناره یک کسی اذان می‌گفت - پرسید: این سرو صدایی که هست، چیست؟ گفتند: اذان می‌گوید. گفت: علیه ما است؟ یکی گفت: نه! گفت: خب! هرچه می‌خواهد بگوید. اذانی که علیه او نباشد، «الله‌اکبر»ی که او را کوچک نکند، خب! هرچه می‌خواهد بگوید، بگوید. مسئله مسئله اسم اسلام و تشریفات اسلامی نیست. امروز کشورهایی اسم اسلام را دارند، تشریفات اسلامی را هم کم‌وبیش دارند، اما نفتشان در اختیار استکبار است، امکاناتشان در اختیار استکبار است، منابع حیاتی‌شان در اختیار آنهاست؛ هیچ مخالفتی با آنها نیست، خیلی هم دوست‌اند.<sup>۵</sup>



## آشتی آمریکا با ایران، یا جمهوری اسلامی؟

یک حرف خوبی را اخیراً یک جایی خواندم؛ یکی از کارشناسان دولتی آمریکا گفته است: آشتی میان ایران و آمریکا امکان‌پذیر است، اما میان جمهوری اسلامی با آمریکا ممکن نیست؛ حرف درستی زده. ایرانی که در رأس آن خاندان پهلوی باشند - که همه چیزشان را در اختیار آنها می‌گذارند - البته آشتی با این ممکن که هیچ، لازم هم هست؛ بالاتر از آشتی هم لازم است. مسئله، مسئله جمهوری اسلامی است؛ جمهوری اسلامی یعنی استقلال، آزادی، پایبندی به ایمان اسلامی، حرکت در مسیر اسلام، تن ندادن به تحمیلات دشمنان، دعوت امت اسلامی به اتحاد - درست نقطه مقابل آن چیزی که آنها می‌خواهند - البته با این بدند.<sup>۵</sup>

## ماهیت لیبرال دموکراسی

### حاکم بر کشورهای غربی

این [حمایت دنیای استکبار از فاجعه آفرینی رژیم صهیونیستی در غزه] نشان دهنده این است که امروز منطق لیبرال دموکراسی - این منطق و نظام فکری که امروز کشورهای غربی بر اساس آن دارند هدایت و اداره می شوند - از کمترین ارزش اخلاقی برخوردار نیست. هیچ ارزش اخلاقی در آن وجود ندارد، احساس انسانیت در آن وجود ندارد؛ در واقع دارند خودشان را رسوا می کنند، دارند خودشان را در مقابل نگاه قضاوتگر امروز ملت های دنیا و فردای تاریخ، رسوا می کنند. ما این را به عنوان یک تجربه مهم باید برای خودمان حفظ کنیم و آمریکا را بشناسیم. آمریکا این است، نظام لیبرال دموکراسی این است. این در عمل ما، در قضاوت ما، در برخورد ما، اثر خواهد گذاشت و باید اثر بگذارد. آن [جبهه ای] که امروز در مقابل نظام جمهوری اسلامی قرار گرفته است و در قضایای مختلف، در چالش با نظام جمهوری

اسلامی است، یعنی دولت ایالات متحده آمریکا و دنباله‌روانش، این هستند، واقعیتشان این است، حقیقتشان این است: نسبت به کشتار انسان‌ها و نسبت به کشتار مردم بی‌دفاع هیچ حساسیتی که ندارند هیچ، از ظالم و مرتکب جنایت دلخراش و جنایت‌های بزرگ - مثل آنچه امروز در غزه دارد می‌گذرد - دفاع و حمایت هم می‌کنند. این باید برای ما یک معیار باشد. یعنی ملت ایران، دستگاه فکری ما، دانشجویان ما، روشنفکران ما، نباید این را فراموش بکنند؛ آمریکا این است؛ نظام قدرت غربی و پایه فکری او که لیبرال‌دموکراسی است این است؛ این امروز در مقابل نظام اسلامی قرار دارد.<sup>۸</sup>

## ضرورت تحلیل درست از رفتار ظالمانه نظام سلطه

امروز بی‌اعتناترین سیاستمداران دنیا به حقوق بشر، همین‌هایی هستند که مدیریت این چند کشور را برعهده دارند؛ مطلقاً اعتقاد به بشر و حقوق بشر و انسان و انسانیت ندارند؛ رفتار آنها در غزه و امثال این حوادث، این را دارد اثبات می‌کند. اینها هیچ اعتقادی ندارند: نه به حقوق بشر اعتقاد دارند، نه به حرمت انسان و کرامت انسان اعتقاد دارند، نه به رأی ملت‌ها اعتقاد دارند؛ به هیچ چیز اعتقاد ندارند. تنها چیزی که اینها قبول دارند، عبارت است از پول و زور؛ هیچ منطق دیگری وجود ندارد. هرچه هم راجع به مسئله آزادی و حقوق بشر و مانند اینها بر زبان اینها جاری بشود، به نظر من مسخره کردن آزادی است؛ تمسخرکردن حقوق بشر است.

خب حالا این را ما به‌عنوان یک نصیحتی به آمریکا و به رئیس‌جمهور آمریکا و به دولتمردان آمریکا نمی‌گوییم، معلوم است؛ این را برای

خودمان داریم می‌گوییم که در تحلیل‌هایمان، در قضاوت‌هایمان، در عملکردمان بفهمیم با چه کسی طرف‌ایم و اینهایی که در مقابل ما قرار می‌گیرند چه کسانی هستند؛ تَه فکرشان چیست؟ ما باید تکلیف خودمان را مشخص بکنیم. آنچه مهم است این است که: ما تحلیل درستی از رفتار امروز غرب داشته باشیم. مواجهه آنها با جمهوری اسلامی ایران و با انقلاب اسلامی و با حرکت اسلامی و بیداری اسلامی، یک بخشی از سیاست‌های کلان آنهاست. سیاست کلان نظام سلطه، عبارت است از بردگی ملت‌ها و تسلط بر سرنوشت ملت‌ها بدون اینکه کمترین اعتنایی به مصالح ملت‌ها و خواسته آحاد ملت‌ها داشته باشند؛ این سیاست کلان استکبار است؛ به این باید توجه داشت. شعارهای ضد آمریکایی، شعارهای ضد غربی، شعارهای ضد استکبار در کشور ما، ناظر به این حقیقت است. یک عده‌ای به مجرد اینکه شعار ضد غربی یا ضد آمریکایی می‌شنوند، فوراً تصورشان این نباشد که یک کار تعصب‌آمیز

یا بدون یک منطق فکری دارد انجام می‌گیرد؛ نه! این نگاه ضد غربی و ضد آمریکایی در انقلاب اسلامی، متکی است به یک تجربه درست، به یک نگاه عقلانی درست، به یک محاسبه صحیح. من آن روز اینجا به مجموعه دست‌اندرکاران و مجریان و کارگزاران کشور گفتم، (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳۹۳/۴/۱۶) هدف اساسی دشمن این است که در دستگاه محاسباتی ما اختلال ایجاد بکند. دستگاه محاسباتی وقتی دچار اختلال شد، از داده‌های درست، خروجی‌های غلط به دست خواهد آورد؛ یعنی تجربه‌ها هم دیگر به درد او نخواهد خورد. وقتی دستگاه محاسباتی خوب کار نکرد، درست کار نکرد و محاسبه درست انجام نگرفت، تجربه‌ها هم دیگر به کار نمی‌آید.<sup>۸</sup>

## پیامد اختلال در دستگاه محاسباتی

### روشنفکران دلباخته غرب

شما نگاه کنید در کشور خود ما، برخورد غربی‌ها و دست‌اندرکاران تمدن کنونی غرب در طول این صدسال اخیر، هشتاد و نود سال اخیر، با کشور ما چگونه بوده؟ ما این‌همه تجربه ضربه زدن از سوی غرب داریم. عده‌ای هستند در کشور - روشنفکران غرب‌گرا، غرب‌زده، دلباخته غرب - این تجربه‌ها در مقابل چشم آنهاست، [اما] از این تجربه‌ها درس نمی‌گیرند. خب! آنها دیدند که غربی‌ها رضاخان را آوردند بر این کشور مسلط کردند و دیکتاتوری عجیب و غریب رضاخانی، به وسیله انگلیس‌ها در این کشور برپا شد - آمدند یک عنصرِ قلدرِ بی‌منطقِ بی‌اعتنای به اصالت‌های کشور را بر این کشور مسلط کردند - بعد هم در دهه ۲۰، همان قدرت‌ها آمدند ایران را اشغال کردند، در واقع به یک معنا بین خودشان تقسیم کردند؛ همان‌ها آمدند نفت را بردند و قراردادهای ظالمانه را بر این کشور تحمیل کردند؛ همان‌ها

کودتای بیست‌وهشتم مرداد را راه انداختند و یک دولت ملی را - که با همه عیوبی که داشت بالاخره برخاسته از آراء مردم بود - ساقط کردند و نابود کردند؛ همان‌ها نهضت ملی نفت را به انحراف کشاندند و مجدداً سلطه بر منابع طبیعی و مادی ما را به دست گرفتند؛ همان‌ها در یک مدت طولانی، دیکتاتوری محمدرضا را بر این کشور تثبیت کردند و از آن با همه وجود حمایت کردند؛ در دوران حکومت سی‌وچند ساله محمدرضا بر کشور، چوب حراج به ثروت مادی و معنوی ما زده شد، پدر این ملت را در آوردند، در فقر نگه داشتند، در جهل نگه داشتند، فساد عمومی در تمام ارکان این کشور به راه انداختند، فرهنگ کشور را، دین مردم را، همه چیز را در واقع از بین بردند، این با پشتیبانی و حمایت همین دولت‌های غربی بود؛ در مقابله با انقلاب ملت ایران و حرکت عظیم ملت ایران، هرچه توانستند کارشکنی کردند؛ از صدام حسین حمایت کردند، دفاع کردند. با اینکه خودشان صدام را هم قبول نداشتند، اما چون



صدام در مقابل جمهوری اسلامی بود، هرچه توانستند به صدام کمک کردند. همین غربی‌ها، همین انگلیس، همین آمریکا، همین فرانسه: بمب شیمیایی دادند، امکانات گوناگون نظامی در اختیارش گذاشتند؛ خب! اینها تجربه‌های ماست. روشنفکر غرب‌زده، چون دستگاه محاسباتی‌اش دستگاه اختلال‌یافته‌ای است، از این تجربه‌ها استفاده نمی‌کند، بهره نمی‌برد، استنتاج درست نمی‌کند.<sup>۸</sup>

## تقویت قدرت تحلیل

### از طریق کرسی‌های آزاد اندیشی

آنچه به‌خصوص در مورد دانشجویان عرض می‌کنم. توصیه می‌کنم دانشجویان عزیز را به اینکه مطالعات خودشان را، هم در زمینه‌های مسائل دینی، هم در زمینه مسائل گوناگون سیاسی، در کنار کار علمی تقویت کنند. سعی کنید قدرت تحلیل را در خودتان تقویت کنید. البته من امروز که نگاه می‌کنم به بیانات دانشجویان، نکات برجسته و خوبی را مشاهده می‌کنم، یعنی واقعاً جای خرسندی و شکرگزاری دارد، لکن هرچه می‌توانید در این زمینه بیشتر کار کنید. ... دانشجویان باید در زمینه مسائل گوناگون کشور، مسائل اجتماعی، مسائل اقتصادی، مسائل سیاسی، تحلیل در اختیار مردم بگذارند؛ یعنی مردم بایستی بتوانند از تحلیل دانشجویان بهره‌مند بشوند، استفاده کنند؛ قدرت تحلیل دانشجویان باید این [طور] باشد. این هم متکی است به مطالعه؛ باید مطالعه کنند. این جور نباشد که نگاه دانشجویان صرفاً نگاه احساسی [باشد]؛

داده‌های ذهنی شما فقط مسائل روزنامه‌ای نباشد؛ روی مسائل فکر کنید، مطالعه کنید، بحث کنید. خیلی از این حرف‌هایی که دوستان در اینجا گفتند، حرف‌هایی است که تکلیف آنها باید در خود جلسات دانشجویی و در بحث‌های آزاد دانشجویی معین بشود؛ که من یادداشت کردم، این «کرسی‌های آزاد اندیشی» که ما مطرح کردیم که مستلزم بحث‌های آزاد دانشجویی در محیط دانشگاه‌هاست، بسیاری از مسائلی را که در اینجا دوستان مطرح کردند، می‌تواند تعیین تکلیف کند، روشن کند؛ جهات مثبت و منفی هر مطلبی را در بحث‌های دانشجویی باید بتوانند به دست بیاورند.<sup>۸</sup>

## رقابت گفتمانی با تحمل مخالف

در محیط دانشجویی، «رقابت گفتمانی» چیز خوبی است، در صورتی که با تحمل مخالف همراه باشد. از وجود مخالف، نباید انسان تعجب بکند، نباید انسان خشمگین بشود، نباید انسان بیمناک بشود؛ هیچ کدام از این سه حالت در قبال مخالف، قابل قبول نیست. اگر انسان از داشتن مخالف تعجب بکند، معنای آن این است که نسبت به خودش خیلی خوشبین است؛ تعجب می کند که کسی با او مخالف باشد. تعجب ندارد! خب، هر انسانی، هر فکری، هر جهتی و جهت گیری و جریانی، یک عده مخالف دارد، این جور هم نیست که بگوییم آن مخالف ها خطا می کنند؛ نه! نقاط ضعفی وجود دارد و آن نقاط ضعف موجب می شود یک عده ای مخالفت بکنند.

بنابراین، وجود مخالف نباید تعجب ما را برانگیزد؛ همچنان که نباید خشم ما را برانگیزد و عصبانی بشویم که چرا با ما مخالف اند؛ نه! مخالفت قابل فهم است، قابل قبول است. وحشت

هم نباید بکنیم؛ وحشت کردن از وجود مخالف، نشان‌دهنده این است که انسان به استحکام موضع خودش خاطر جمع نیست و اطمینان ندارد؛ نه! منطقی داریم. پایه‌های این منطق را محکم می‌کنیم، مستحکم می‌کنیم، وارد میدان رقابت گفتمانی می‌شویم و بحث می‌کنیم؛ روحیه دانشجو باید چنین چیزی باشد. بنابراین، محیط‌های دانشجویی، با همین نشاطی که بحمدالله امروز دارند، ادامه کار خواهند داد؛ یکدیگر را هم تحمل کنند، باهمدیگر حرف بزنند، با هم بحث بکنند، مبانی را محکم کنند؛ اساس کار را هم در زمینه عملی، تقوا قرار بدهند و در زمینه فکری، حدومرز اسلامی و شناخت دشمن و شناخت شیوه‌های دشمنی که از سوی دشمن به کار می‌رود.<sup>۸</sup>

## اقتدار ملی

**ضرورت مسلح شدن کرانه باختری مثل نوار غزه**

این اعتقاد ماست که کرانه باختری هم مثل غزه باید مسلح بشود. دست قدرت [لازم است]. کسانی که علاقه‌مند به سرنوشت فلسطین‌اند، اگر می‌توانند کاری بکنند، کار این است؛ در آنجا هم باید مردم را مسلح کنند. ... البته وظیفه مردم دنیا حمایت سیاسی [از فلسطینی‌ها] هم هست، در این هیچ تردیدی نیست؛ کمالینکه امروز شما مشاهده می‌کنید که در کشورهای اسلامی، حتی در کشورهای غیر اسلامی، حرکت‌های مردمی وجود دارد؛ ان‌شاءالله در روز قدس هم دنیا خروش عظیم ملت ایران را خواهد دید؛ ملت ایران ان‌شاءالله در روز قدس نشان خواهد داد که چقدر انگیزه نسبت به فلسطین [در ایران] موج می‌زند. حالا یک عده‌ای خواستند با شعار «نه غزه، نه لبنان»، عکس این را نشان بدهند؛ نه، ملت ایران معتقد به دفاع از مظلوم [است]: «کُونُوا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَّ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا»؛ (نهج‌البلاغه، نامه ۴۷) این خواست ملت ایران است که ان‌شاءالله نشان داده خواهد شد. این یک منظر و یک نگاه به قضیه غزه است. لکن آنچه به‌نظر من از این

نگاه مهم‌تر است، این است که توجه کنیم که امروز دنیای استکبار و در رأس آنها آمریکا از این فاجعه‌آفرینی، از این جنایت، از این خشونت غیر قابل توصیف حمایت می‌کنند، دفاع می‌کنند. به نظر من، این یک نگاه عمیق‌تری به مسئله است؛ این مهم است، روی این باید تکیه کرد. امروز قدرت‌های سلطه‌گر غربی - یعنی چند دولت بزرگ و ثروتمند و مقتدر غربی که در رأس آنها آمریکا است، پشت سرش هم انگلیس خبیث - محکم ایستاده‌اند برای اینکه از این رژیم غاصب و ظالم و سنگدل دفاع کنند؛ این خیلی مسئله مهمی است. صریح دارند حمایت می‌کنند. از چه حمایت می‌کنند؟ از این فاجعه‌آفرینی که هیچ انسان باانصافی، هیچ انسان متعارف و معمولی‌ای نمی‌تواند بی‌تفاوتی در مقابل این جنایات را قبول بکند. یک منطقه کوچک، یک وجب زمین به نام غزه، این جور هواپیماها، موشک‌ها، نیروی زمینی، تانک‌ها [به آن حمله کنند]، انواع و اقسام آتش‌باری نسبت به این مردم صورت بگیرد؛ واقعاً چیز عجیبی است. این همه کودک کشته بشود، این همه خانه ویران بشود، زندگی مردم در خانه خودشان این قدر تلخ و همراه

با زجر و شکنجه باشد، آن وقت حضرات از این حمایت کنند، از این دفاع کنند. با چه منطقی؟ با منطق مسخره آقای رئیس‌جمهور آمریکا که می‌گوید: اسرائیل حق دارد از امنیت خودش دفاع کند! خب فلسطینی‌ها حق ندارند از امنیت خودشان دفاع کنند؟ آیا اینکه یک دولتی برای آنچه امنیت خود می‌نامد، زندگی مردمی را که در محاصره ظالمانه او به سر می‌برند و عکس‌العملی نشان نمی‌دهند، این جور تهدید بکند، این منطق قابل قبولی است؟ کسی این را قبول می‌کند؟ تاریخ چگونه قضاوت خواهد کرد در مقابل این منطق؟ مسئولین این کشورهای مستکبر نمی‌فهمند که با این حمایت‌ها، چه دارند می‌کنند با آبروی خودشان و آبروی کشورهایشان و رژیم‌هایشان در تاریخ! با کمال وقاحت می‌ایستند و می‌گویند: ما از اسرائیل حمایت می‌کنیم؛ هیچ اشاره‌ای نمی‌کنند به اینکه چه اتفاقی دارد در منطقه می‌افتد و چه فاجعه‌آفرینی‌ای دارد به وسیله این عنصر مخرب و عنصر خطرناک اتفاق می‌افتد.<sup>۸</sup>





## حفظ ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب

### پیام شهیدان

#### استمرار شکست توطئه‌های سلطه‌گران

جامعه و کشور به درک و پیگیری پیام شهیدان، [نیاز دارد]. ... ادامه وفاداری ملت به راه نورانی و پرتراوت شهیدان، زمینه‌ساز استمرار شکست توطئه‌های سلطه‌گران است. ... شهیدان نیازی به ما ندارند بلکه ما محتاج شنیدن پیام آنها، شناخت اهدافشان و پیگیری راه سعادت‌بخش آنان هستیم. ... دوری از خوف و حزن و اندوه، پیام بشارت‌بخش شهیدان برای جامعه اسلامی [است]. ... باید با درک این پیام، راه نورانی تحقق اهداف انقلاب را با شور و طراوت بیشتر ادامه دهیم.<sup>۲</sup>

## غفلت از سنت‌های الهی،

### از خطاهای بزرگ محاسباتی

مراقبت در مورد شخصی که مسئولیت ندارد، به یک معنا است؛ مراقبت در مورد من و شما که حوزه مسئولیتی داریم، به یک معنای دیگر است. مراقب باشیم که دستگاه محاسباتی ما به وسیله شیطان‌های انس و جن دچار اختلال نشود، مسائل را بد نفهمیم. شیطان که فقط شیطان جَنّی نیست؛ ابلیس که فقط نیست: «جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا»؛ (انعام ۱۱۲) شیاطین انس و جن به هم کمک هم می‌کنند. من همین‌جا تأکید کنم: یکی از خطاهای محاسباتی این است که انسان در چارچوب عوامل محسوس و صرفاً مادی محدود بماند؛ یعنی عوامل معنوی را، سنت‌های الهی را، سنت‌هایی که خدا از آنها خبر داده است، آن چیزهایی را که با چشم دیده نمی‌شود، ندیده بگیرد؛ این یکی از خطاهای بزرگ محاسباتی است. خداوند فرموده است: «إِنْ تَصْرُوا اللَّهَ

يَنْصُرُكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»، (محمد ۷) دیگر از این واضح‌تر؟ اگر شما در راه خدا حرکت کنید، دین خدا را نصرت کنید، خدا شما را نصرت خواهد داد؛ این سنت الهی است، این غیر قابل تغییر است: «وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»؛ (احزاب ۶۲) اگر در راه احیای دین الهی حرکت کردید و این جهت را رعایت کردید، خدا شما را نصرت خواهد داد. این را قرآن گفته است، با این صراحت که وعده الهی است؛ ما هم در عمل آن را تجربه کرده‌ایم. ... ملت ایران دچار تزلزل نشد؛ این همه فشار، این همه توطئه، این همه آزار، این همه ناجوانمردی، ملت ایران منصرف نشد. این یکی از سنت‌های الهی است.

آیه شریفه قرآن [می‌فرماید]: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ. تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا». (ابراهم ۲۴ و ۲۵) کلمه طیب، اقدام درست، اقدام پاکیزه، اقدام برای خدا، این‌جوری است که این

می ماند، در زمین ریشه می دواند، مستحکم می شود و ثمربخش خواهد بود. نظام جمهوری اسلامی آن کلمه طیب است، مثل شجره طیبه باقی مانده است، مستحکم تر شده است.

امروز نظام جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام، به عنوان یک حکومت، به عنوان یک مجموعه سیاسی با سی سال قبل از لحاظ استحکام قابل مقایسه نیست. در دو آیه بعد [می فرماید]: «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ». (ابراهیم ۲۷) همان تثبیت و اثبات را مجدداً تکرار می کند. این عوامل را باید دید؛ در محاسبات ما، این عوامل باید به حساب بیاید. همه عوامل سعادت و شقاوت و پیشرفت و پسرفت و به موفقیت ها دست یافتن و نیافتن، در چارچوب عوامل مادی متعارفی که اهل ماده، اهل محسوسات، به آنها دل خوش می کنند، محدود نمی ماند؛ این عوامل در کنارش وجود دارد. ... عمده حرف من هم همین است ... ما امروز در محاسباتمان نباید دچار اشتباه بشویم؛ نگذارید

دشمن در دستگاه محاسباتی شما اثر بگذارد؛ نگذارید اغوا کند؛ نگذارید تطمیع او یا تهدید او اثر بگذارد. امروز نبرد جمهوری اسلامی با استکبار - که با انقلاب آغاز شد و همچنان با قوّت ادامه دارد - همان نبرد پیغمبران با طواغیت زمان، با شیاطین انس و جن است. ما دنبال آرمان‌های بلند هستیم؛ دنبال تشکیل جامعه اسلامی، نظام اسلامی، کشور اسلامی، امت اسلامی و تحقق بخشیدن به آرزوهای بزرگ پیامبران و صدیقان و شهیدان [هستیم]؛ و دستگاه‌های شیطانی زمان یک جبهه‌اند و طبعاً با یک‌چنین حرکتی مخالف‌اند.

[بنابراین] کارشکنی می‌کنند، اذیت می‌کنند، تهدید می‌کنند؛ در عین حال با همه زرق و برقی که آن جبهه مقابل دارد و جلال ظاهری و توانایی‌های مادی‌ای که دارد، این حرکت الهی و حرکت پیامبرانه راه خودش را دارد ادامه می‌دهد و پیش می‌رود، اثر می‌گذارد، روزبه‌روز توسعه پیدا می‌کند، روزبه‌روز عمق پیدا می‌کند.<sup>۵</sup>

## احیای عقلانیت صحیح در کشور از مهم‌ترین خدمات انقلاب اسلامی

یکی از مهم‌ترین خدمات انقلاب اسلامی، احیای عقلانیت صحیح در کشور بود. اینکه شما جوان دانشجو می‌آیید مسائل منطقه را تحلیل می‌کنید، با نگاه موشکافانه مسائل را می‌بینید، دشمن را معرفی می‌کنید، حوادث منطقه را تحلیل می‌کنید و می‌ایستید، این نشان دهنده حیات عقلانی یک کشور است؛ این را انقلاب به ما داد. امروز بعضی‌ها باز دلشان می‌خواهد برگردند به همان شکل سابق. همان جریان‌های غرب‌زده - جریان‌هایی که عاشق غرب‌اند، ملت را تحقیر می‌کنند، داشته‌ها را تحقیر می‌کنند، فرهنگ و هویت ملی را تحقیر می‌کنند به نفع مسلطین غربی - دلشان می‌خواهد که همان‌ها دوباره بیایند و برای امور کشور، فرهنگ کشور، جهت‌گیری کشور، شاخص معین کنند و معرفی کنند. این عده‌ای که امروز در خارج از کشور، در زیر پرچم همین دشمنان خونی ملت ایران دارند علیه

جمهوری اسلامی کار می‌کنند، همین کسانی هستند که واقعاً دنبال این هستند که همان غفلت - غفلت محاسباتی - همان اغوای شیطانی که نسبت به عقلانیت این کشور در یک دوره‌ای وجود داشت، همان مجدداً حاکم بشود. در مقابل اینها باید ایستاد. حرکت، حرکت صحیح و عقلانی است.<sup>۸</sup>

## آزاداندیشی و استفاده از نظرات مختلف

### ضرورت حضور دانشجوی مطالبه‌گر و ناظر

#### به مسائل کشور

خدای متعال را شکرگزاریم از اینکه در این برهه از زمان، کشور ما شاهد یک مجموعه جوان مؤمن و پرشور و پرانگیزه و صاحب منطق و فکر در زمینه مسائل اساسی کشور است. امروز جلسه ما بسیار جلسه خوبی بود؛ دو بخش دارد این مسئله: یک بخش مربوط به جزئیات بیانات دوستانی است که اینجا بیان کردند؛ خب! مطالب خوب و مفید گفته شد؛ ممکن است بنده حقیر با بعضی از این بیانات موافق باشم، با بعضی موافق نباشم؛ بحث محتواها یک بخش از مسئله است. آن بخشی که به نظر من مهم و در خور ستایش و تقدیر است، عبارت است از «روحیه پرنشاط و مطالبه‌گر در مجموعه دانشجویی» که در بیانات این جمع معدود و محدود خودش را نشان داد؛ این مهم است. ممکن است [از] آنچه در این مطالبات وجود دارد، بعضی منطقی نباشد، بعضی قابل تحقق نباشد، بعضی مورد قبول



نباشد؛ اما نفس این روحیه مطالبه‌گری و انگیزه برای خواستن و فکر کردن و پیشنهاد دادن و انتقاد کردن، مطلوب است. البته در همه امور باید اخلاق را، دیانت را، حدود شرعی را رعایت کرد؛ از بی‌انصافی باید پرهیز کرد؛ از «قول به غیر علم» باید اجتناب کرد؛ اینها به جای خود محفوظ؛ آنچه مهم است، این است که جوان دانشجوی ما باید مطالبه‌گر، پیرانگیزه، پرنشاط، حاضر در صحنه و ناظر به مسائل کشور باشد؛ و من این را امروز مشاهده می‌کنم که بحمدالله هست. ... من از روحیه جوانان دانشجویمان - که عمدتاً نمایندگان تشکلهای بودند - خرسند شدم و خدا را شکر می‌کنم که در اینها، انسان احساس نشاط، حرف، انگیزه و مطالبه‌گری می‌کند؛ و امیدواریم که انشاءالله این روحیه در شما باقی بماند تا آنوقتی که خود شما مسئول امور خواهید شد؛ چون بالاخره در آینده، مسئولین امور مدیران کشور همین شما هستید! انشاءالله همین روحیه [و] نگاه منتقدانه و مطالبه‌گرانه و همراه با احساس تکلیف و وظیفه، در شما باقی بماند؛ که اگر این شد، کشور نجات پیدا خواهد کرد.<sup>۸</sup>

## معیار موضع‌گیری سیاسی

مواضع سیاسی افراد دانشجو یا تشکلهای دانشجویی چگونه باید منطبق با نظرات رهبری باشد؟ ... به نظر من این سؤال، خیلی سؤال موجهی نیست؛ این جور نیست که همه مواضعی که آحاد مردم - از جمله دانشجویان که جزو قشرهای پیشرو هستند - اتخاذ می‌کنند، بایستی الگو گرفته و برگردان نظراتی باشد که رهبری ابراز می‌کند؛ نه، شما به عنوان یک انسان مسلمان، مؤمن، صاحب فکر، باید نگاه کنید، تکلیفتان را احساس کنید، تحلیل داشته باشید ... نسبت به اشخاص، نسبت به جریان‌ها، نسبت به سیاست‌ها، نسبت به دولت‌ها، موضع داشته باشید، نظر داشته باشید. این جور نیست که شما باید منتظر بمانید، ببینید که رهبری درباره فلان شخص، یا فلان حرکت، یا فلان عمل، یا فلان سیاست چه موضعی اتخاذ می‌کند که بر اساس آن، شما هم موضع‌گیری کنید؛ نه! اینکه کارها را قفل خواهد کرد. رهبری وظایفی دارد، آن وظایف را اگر خدای متعال به او کمک کند و توفیق بدهد، عمل خواهد کرد؛ شما هم وظایفی دارید؛ به صحنه نگاه کنید، تصمیم‌گیری کنید؛ متنها معیار عبارت

باشد از تقوا؛ معیار، تقوا باشد. تقوا یعنی اسیر هوای نَفَس نشدن در جانب‌داری و طرف‌داری یا در مخالفت و معارضه، در انتقاد یا در تمجید؛ این را رعایت کنید. اگر این رعایت شد، هم انتقاد خوب است، هم جانب‌داری و تمجید خوب است: از شخص، از دولت، از فلان جریان سیاسی؛ از فلان حادثه سیاسی؛ هیچ اشکالی ندارد. البته اگر در یک زمینه‌ای نظری هم از سوی این حقیر ابراز شد، آن کسانی که حسن‌ظن دارند و این نظر را قبول دارند، ممکن است این هم یکی از عواملی باشد که در تشخیص آنها دخالت خواهد داشت؛ لکن این به معنای این نیست که وظیفه افراد در مورد موضع‌گیری‌ها و در مورد اظهارنظرها ساقط بشود؛ نه! هرکسی نگاه کند [و وظیفه‌اش را انجام بدهد]. عرض کردم: معیار این است که با رعایت تقوا باشد؛ یعنی بدون گرایش به هوای نَفَس؛ اگر انتقاد می‌کنیم، اگر طرف‌داری و جانب‌داری می‌کنیم، اگر یک حرکت را، یک سیاست را تأیید می‌کنیم یا اگر رد می‌کنیم، واقعاً از روی احساس وظیفه و تکلیف و بدون دخالت دادن اغراض نفسانی [باشد].<sup>۸</sup>

## حضور در صحنه‌ها و عرصه‌های اجتماعی

### انتظار از دانشجو

دانشجو را ما جزو مجموعه‌های نمایشگرِ وجدان بیدار ملت و کشور به حساب بیاوریم که واقع قضیه همین است. اگر دانشجویان در یک جامعه‌ای جهت‌گیری‌ای داشته باشند و حرکتی بکنند و خواستی داشته باشند، این نشان‌دهنده گرایش عمومی جامعه است؛ در همه‌جای دنیا هم همین جور است. دانشجو در واقع جزو مجموعه‌هایی است که وجدان بیدار ملت را و جهت‌گیری‌های آن را نشان می‌دهد، لذا باید دانشجو خیلی آگاهانه با مسائل برخورد کند؛ وضعیت خود را، وضعیت محیط خود را، تهدیدها را، فرصت‌ها را، دشمن‌ها را، دشمنی‌ها را باید بشناسد. [البته] انتظار این را نداریم که دانشجو از درس و بحث و کار گوناگون، بزند و فقط به کار سیاسی بپردازد؛ نه! این [منظور] نیست؛ انتظار داریم که با چشم باز، با نگاه روشن، با احساس تکلیف و با انگیزه به مسائل نگاه کند؛ این انتظار ما از دانشجو است.<sup>۸</sup>

## روز قدس، نماد همّت و زنده بودن ملت ایران

روز قدس هم حقاً و انصافاً روز بزرگی بود؛ در آن هوای گرم، مردم ما با دهان روزه، مردان، زنان، به خصوص زنان و بانوان با حجاب، در زیر چادر، با کودکان در آغوش، به این راهپیمایی آمدند. یک ملت وقتی بخواهد زنده بودن خود را نشان بدهد، وقتی بخواهد همّت عمومی خود را که مخصوص یک عده خاص و یک گروه خاص نیست، بلکه مربوط به عموم ملت است نشان بدهد، در یک چنین جاهایی نشان می‌دهد و ملت عزیز ما بحمدالله این را نشان داد. خداوند برکاتش را بر شما ملت عزیز نازل کند و روزه‌روز عزّت شما را، آبروی شما را، پیشرفت شما را بیشتر کند و به مسئولین کشور توفیق خدمت روزافزون به شما را عنایت کند.<sup>۹</sup>



# تدابیر اقتصادی و مالی

● جهاد اقتصادی

## جهاد اقتصادی

### علاج مسئله تحریم، اقتصاد مقاومتی

تحریم را با مجاهدت در باب اقتصاد مقاومتی بایستی خنثی کرد. ... برنامه‌های اقتصادی براساس و با فرض ماندن تحریم‌ها بایستی برنامه‌ریزی بشود و تعقیب بشود و تحقق پیدا بکند. فرض کنیم که این تحریم‌ها ذره‌ای و سر سوزنی کم نخواهد شد؛ که حالا خود آنها هم همین را می‌گویند. ... بنابراین، علاج مسئله تحریم، عبارت است از همین اقتصاد مقاومتی.<sup>۵</sup>



# تدابیر نظارت و بازرسی

• برخورد با تخلفات و مبارزه با فساد

## برخورد با تخلفات و مبارزه با فساد

### برخورد جدی

#### با عوامل نابودی زمین‌های کشاورزی

تبدیل و تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی  
[باعث نگرانی است]... نابودی زمین‌های  
کشاورزی یک خسارت غیرقابل جبران است و  
باید وزارت جهاد کشاورزی و سازمان حفاظت از  
محیط زیست به‌طور جدی با این پدیده  
برخورد کنند.<sup>۷</sup>

# تدابیر حقوقی و قانونی

- انطباق کلیه امور با موازین شرعی
- اصلاح قوانین و روش‌ها

## انطباق کلیه امور با موازین شرعی

### تحقق توقعات و اهداف در قوه قضائیه

مهمترین ویژگی دستگاه قضایی نسبت به قوای دیگر، تضمین تحقق اقامه حق و عدل [است]... بر همین اساس توقعات از قوه قضائیه بالا است و با توجه به توانایی‌ها و صلاحیت‌های برجسته ریاست این قوه که عالمی فاضل، متدین، مجتهد، خوش‌فکر، انقلابی، آگاه به مسائل و شجاع است، تحقق توقعات و اهداف مورد نظر امکان‌پذیر به نظر می‌رسد.<sup>۱</sup>

## اصلاح قوانین و روش‌ها

### اولویت‌های اصلی قوه قضائیه در دوره جدید

شش اولویت اصلی قوه قضائیه برای دوره جدید ...

۱- باید ساز و کار ویژه و روشنی برای نظارت و اجرای سیاست‌های مربوط به قوه قضائیه و تبدیل این سیاست‌ها به برنامه و عملیاتی شدن همه آنها، تدارک دیده شود.

۲- دومین اولویت اصلی دستگاه قضائی، «نظارت بر عملکردها اعم از عملکرد قضات و عملکرد مدیران» [است]. ... این نظارت‌ها باید بگونه‌ای جدی و گسترده باشند که اشکالات و شکایات از برخی عملکردها، به پایین‌ترین سطح ممکن برسد.

۳- سومین اولویت «لزوم عدم تأخیر در اجرای احکام» ... برخی تأخیرهای طولانی در اجرای احکام، معلول برخی نقیصه‌ها است که باید شناسایی و برطرف شوند. ... کاهش آمار میانگین اطاله دادرسی، خوب است اما باید توجه شود که چه تعداد پرونده در محدوده مدت زمان حداکثری این

آمار میانگین، بررسی می‌شوند که اگر این آمار بالا باشد، باید کاهش یابد.

۴- اولویت چهارم ... «کادرسازی و جانشین‌پروری» [است]. ...

۵- «پیشگیری از جرم» به‌عنوان اولویت پنجم [است]. ... پیشگیری از جرم یک موضوع فرا قوه‌ای است، بنابراین قوه قضائیه برای پیشگیری از جرم باید ارتباط خود را با دستگاه‌های مرتبط با این موضوع، مستحکم و نقاط اشتراک با آنها را تقویت کند. ... پیشگیری از جرم، یک موضوع کاملاً علمی، نیز است و بر همین اساس باید برای شناسایی عوامل جرم و آسیب‌های ناشی از آن با صاحب‌نظران و کارشناسان این موضوع مشورت و همکاری شود.

۶- ششمین و آخرین اولویت ... «افزایش همکاری‌های سه قوه» [است]. ... سفارش همیشگی و موکد من به روسای قوا، افزایش همکاری‌ها است. ... در مجموعه نظام اسلامی باید در مسائل گوناگون، «هم‌صدایی» از روسای قوا شنیده شود.<sup>۱</sup>

# تدابیر پژوهشی، تحقیقاتی

- جهت گیری تحقیقاتی و پژوهشی
- بررسی و تحلیل مشکلات و آسیب‌ها
- توجه و حمایت از تحقیقات علمی
- تولید علم و افزایش قدرت علمی

## جهت‌گیری تحقیقاتی و پژوهشی

تعیین سهم دانشگاه‌ها

در نقشه جامع علمی کشور

نقشه جامع علمی بحمدالله تصویب شد؛ آن‌طور  
که به من گزارش کردند، مورد استقبال هم قرار  
گرفته است. چندین سند علمی بر اساس نقشه  
جامع علمی تهیه شده، تنظیم شده، ابلاغ شده، و



چندین سند علمی دیگر در حال تدوین است؛ و به ما گفته شد که بعضی از مسئولین بخش‌های علمی از مجموعه‌ای که اجرای نقشه جامع علمی را به‌عهده دارند، درخواست تدوین سند علمی می‌کنند برای بخش‌های خودشان. خب! این اتفاق افتاده است؛ این یک اتفاق مهم و کارسازی در کشور بوده است. آنچه مکمل این کار می‌تواند بشود، این است که برای دانشگاه‌های گوناگون کشور بر اساس مزیت‌ها، مسئولیت و سهم نسبت به مجموعه نقشه جامع علمی تعیین بشود؛ دانشگاه‌های معتبر کشور، دانشگاه‌های مختلف کشور، سهم خودشان را در مجموعه این سند بزرگ چشم‌انداز علمی کشور بدانند و در آن بخش‌های ویژه مربوط به خودشان کار کنند؛ یعنی در مجموع یک جدولی به‌وجود بیاید که هر دانشگاهی سهم خودش را در پر کردن این جدول بداند و تشخیص بدهد. می‌توان براساس مزیت‌ها و استعدادها، دانشگاه‌ها را تقسیم کرد و سهم هر دانشگاهی را به‌عهده آن دانشگاه گذاشت.<sup>۴</sup>

## تأثیرگذاری فعالیت‌های علمی

### در تأمین نیازهای کشور

در کار علمی و فعالیت علمی بحمدالله حرکت شروع شده است؛ یک نکته اساسی در فعالیت‌های علمی این است که فعالیت علمی کشور، ناظر به نیازهای کشور باشد که این به‌طور کامل امروز تأمین شده نیست. ... مقالات علمی نمایه‌شده کشور ما امروز مشتری دارد، یعنی مشتری کار علمی در دنیا فراوان است؛ ولی خب! این کافی نیست. بله، [اینکه] شما مقاله‌ای تهیه کنید و مرجع واقع بشود، و به آن ارجاع داده بشود، مایه افتخار است، چیز خوبی است، برای کشور هم خیلی خوب است و نشانه پیشرفت علمی کشور است؛ اما از این مهم‌تر این است که آنچه شما در زمینه مسائل علمی کار می‌کنید، ناظر باشد به نیازهای کشور. خب! امروز ملاحظه کردید، در مورد مسائل مربوط به صنعت، مربوط به کشاورزی، مربوط به مدیریت بحران، مربوط به مسائل گوناگون کشور، مطالبی را صاحب‌نظران ابراز کردند، نیازهایی را گفتند،

کمبودها و ضعف‌هایی را که وجود دارد مطرح کردند؛ خب می‌تواند تحقیق علمی، پژوهش علمی، مقاله علمی، برای تأمین این نیازها تهیه بشود و ناظر به رفع این نیازها باشد. این هم مسئله مهمی است. اگر چنانچه در این زمینه دانشگاه‌های کشور تلاش بکنند، این مهم‌ترین کمکی است که به اداره کشور کرده‌اند. بحث کمکی که می‌توانند دانشگاه‌ها و محیط‌های علمی بکنند، همین است که در زمینه‌های گوناگون، تأثیر بگذارند در تصمیم‌گیری‌های مسئولین؛ ناظر باشد کار علمی آنها به نیازهایشان؛ حالا چه با مقالات علمی، چه با پایان‌نامه‌هایی که به دانشجویها می‌دهند، چه با مناظرات علمی.<sup>۴</sup>

## استانداردسازی شرکت‌های دانش‌بنیان

شرکت‌های دانش‌بنیان، یکی از اساسی‌ترین کارها در مقولهٔ همین اقتصاد مقاومتی است که مطرح شده و دربارهٔ آن بحث شده است و مورد تأیید و تصدیق همهٔ اطراف مسائل کشور قرار گرفته است.

البته در تشخیص شرکت‌های دانش‌بنیان دقت بشود، یعنی شاخصه‌ها و مشخصه‌ها [معین بشود] و شرکت دانش‌بنیان استانداردسازی بشود؛ این جور نباشد که به اسم شرکت دانش‌بنیان کسانی بیایند و همین کارهایی را که در برخی از عرصه‌های دیگر معمول است - دلالی و مانند اینها - در [اینجا] پیش ببرند. به معنای واقعی کلمه، شرکت دانش‌بنیان [باشد]؛ این را باید یکی از محورهای اساسی قرار داد.<sup>۴</sup>

## لزوم هدایت کار علمی برای حل مشکلات کشور

مسئله «نگاه به علم، بدون توجه به فایده علم برای کشور» ... کاملاً حرف درستی است و مکرر این را ما هم گفته‌ایم. کار علمی و تلاش علمی، امروز در کشور و در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های ما تلاش زنده و موفق و مورد تحسینی است، منتها همه باید توجه داشته باشند که علم، مقدمه عمل است؛ علم نافع عبارت است از آن علمی که به کار کشور بیاید و مفید برای حل مشکلات کشور باشد. صرف اینکه فرض کنید مقاله‌مان در پایگاه‌های آی‌اس‌آی (مؤسسه اطلاعات علمی ISI) و امثال آن در دنیا منتشر می‌شود، یا حتی مرجع قرار می‌گیرد، این یک تمجید علمی هست، اما مطلوب نهایی نیست؛ کار علمی باید ناظر به نیازهای کشور باشد؛ ... مسئولین آموزش عالی و مدیران ارشد حضور دارند، ان شاء الله به این نکته توجه کنند.<sup>۸</sup>

## بررسی و تحلیل مشکلات و آسیب‌ها

### ضرورت شناخت انگیزه‌های دشمن

### در متوقف کردن حرکت علمی کشور

مطمئنأً انگیزه‌هایی وجود دارد در جبهه دشمنان ما برای متوقف کردن حرکت علمی کشور. حالا بعضی‌ها روی کلمه دشمن حساسیت دارند؛ به ما اعتراض می‌کنند که: چرا مدام می‌گویید دشمن، دشمن! درحالی‌که شما قرآن [را] ملاحظه کنید، می‌بینید اوّل تا آخر قرآن چقدر تکرار شده عنوان «شیطان»، عنوان «ابلیس»؛ مکرّر گفته شده، مکرّر تکرار شده. از دشمن که نباید غفلت کرد! دشمن دانستن دشمن که عیب نیست؛ اینکه ما روی دشمن مدام تکیه می‌کنیم، معنایش این نیست که از عیوب خودمان و مشکلات درونی خودمان غافل‌ایم؛ نه! «أَعَدَى عَدُوْكَ نَفْسُكَ الَّتِیْ بَیْنَ جَنْبَیْكَ»؛ (عده‌الداعی، ص ۳۱۴) از همه دشمن‌ها بدتر، دشمن درونی ماست، دشمن خود ماست، نفسِ راحت طلب ماست، تنبلی ماست، تن‌آسایی ماست، عدم تدبیر ما در پیشبرد امورمان [است] - اینکه معلوم است - اینها به جای

خود محفوظ؛ اما غفلت از دشمن بیرونی، خطای راهبردی عظیمی است که ما را دچار خسارت خواهد کرد. خب! باید دشمن را شناخت، دید ... دشمنی او را باید فهمید، نقشه او را باید تشخیص داد. یکی از نقشه‌های مهم دشمن، متوقف کردن حرکت علمی در کشور است. خب! وقتی این را فهمیدیم، برمی‌گردیم به دانشگاه؛ اینجا آن مدیریت جهادی که ما عرض کردیم، (پیام به مناسبت آغاز سال جدید ۱۳۹۳/۱/۱) معنا پیدا می‌کند. چون جهاد عبارت است از: تلاشی که در مقابل یک دشمنی‌ای انجام می‌گیرد. هر جور تلاشی جهاد نیست. جهاد عبارت است از آن تلاشی که در برابر یک چالش خصمانه از سوی طرف مقابل صورت می‌گیرد؛ این جهاد است. آن وقت معنای مدیریت جهادی در اینجا این است که توجه بکنید که حرکت علمی کشور و نهضت علمی کشور و پیشرفت علمی کشور مواجه است با یک چالش خصمانه، که در مقابل این چالش خصمانه شما که مدیرید، شما که استادید، شما که دانشجو هستید، باید بایستید! این شد حرکت جهادی و مدیریت دستگاه؛ چه مدیریت دانشگاه، چه

مدیریت وزارت، چه مدیریت هر بخشی از بخش‌های گوناگون این عرصه عظیم، خواهد شد مدیریت جهادی. ما البته در گذشته، در یک دورانی، نمونه‌های نامطلوبی در دانشگاه داشتیم. کسانی را در یک دانشگاه معتبر کشور داشتیم که جوان‌های نخبه را تشویق می‌کردند به ترک کشور! اینکه مکرر می‌گویند: فرار مغزها، فرار مغزها! آدم‌هایی داشتیم که دانشجوی نخبه را جستجو می‌کردند، پیدا می‌کردند، تشویق می‌کردند به اینکه کشور را ترک کنند و بروند؛ در یک دورانی این را داشتیم؛ ... اینها نباید تکرار بشود! دانشگاه در اختیار کسانی قرار نگیرد که پیشرفت علمی را به هیچ می‌انگارند؛ به آن اهمیت نمی‌دهند؛ دانشگاه در اختیار کسانی قرار بگیرد که عاشق پیشرفت علمی کشورند؛ اهمیت این مسئله را برای سرنوشت این ملت و برای سرنوشت این کشور درک می‌کنند. این عرض اصلی ما است؛ مخاطب این مسئله، هم مسئولین دولتی هستند، هم مسئولین دانشگاه‌ها هستند، هم خود شما اساتید هستید؛ دانشگاه حرکتی را شروع کرده، نگذارید این حرکت متوقف بشود؛ این حرکت بایست ادامه پیدا



کند و باید مضاعف بشود. ... ما هنوز خیلی راه در پیش داریم تا به آن نقطه‌ای برسیم که از لحاظ علمی مورد نظر است؛ خیلی باید تلاش کرد؛ خیلی باید مجاهدت کرد.

از لحاظ کوتاه‌مدت هم اعتقاد بنده این است. یعنی این اعتقاد ناشی از کاری است که کارشناس‌ها و صاحب‌نظرها کرده‌اند که تحریم‌ها هم، که امروز مسئله تحریم‌ها یکی از مسائلی است که در ذهن‌ها مطرح است، با پیشرفت علم بی‌اثر می‌شود. ... اگر کشور می‌خواهد تحریم‌ها که امروز ابزاری است در دست دشمنان ما برای تحقیر ملت ... [بی‌اثر شود]، با نگاه علمی به مسائل کشور، و توجه به علم، و پیوند دادن علم و صنعت و کشاورزی ... تحریم‌ها بی‌اثر خواهد شد. و ما در این زمینه‌ها میدان کار برایمان باز است و می‌توانیم کار کنیم؛ شرکت‌های دانش‌بنیان، یکی از اساسی‌ترین کارها در مقوله همین اقتصاد مقاومتی است که مطرح شده و درباره آن بحث شده است و مورد تأیید و تصدیق همه اطراف مسائل کشور قرار گرفته است.<sup>۴</sup>

## سمّ مهلك

### تبدیل دانشگاه‌ها به باشگاه‌های سیاسی

من خواهش می‌کنم از مدیران دانشگاه‌ها و مسئولان گوناگون مدیریتی که: دانشگاه را مرکز جولان سیاسی و تلاش‌ها و فعالیت‌های جناح‌های سیاسی قرار ندهید! سمّ مهلك حرکت علمی این است که دانشگاه‌ها تبدیل بشوند به باشگاه‌های سیاسی! کاری که در یک دوره‌ای انجام گرفت. این به معنای نفی حرکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه‌ها نیست؛ بنده همیشه مدافع و منادی کار سیاسی دانشجویها و دانشگاهیان بوده‌ام و هستم - الآن هم معتقدم - متنها نگاه سیاسی، مشرب سیاسی، فهم سیاسی و فعالیت سیاسی داشتن، یک حرف است و دانشگاه را و کلاس درس را و محیط علمی را جولانگاه کار سیاسی قرار دادن، یک حرف دیگری است؛ اینها با همدیگر تفاوت دارد! آرامش دانشگاه کمک‌کننده به این است که دانشگاه بتواند در زمینه مسائل علم - که این همه اهمیت دارد - کار خودش را انجام بدهد، وظیفه

خودش را انجام بدهد، و اگر خدای ناکرده عکس این بشود، اولین ضربه‌ای که خواهیم خورد! این است که حرکت علمی در دانشگاه و به تبع آن در کشور متوقف خواهد شد، یا کند خواهد شد؛ و عرض کردیم توقف، به معنای عقب‌گرد است.<sup>۴</sup>

## رفع تردید در پیشرفت علمی کشور با تور علمی

برخی از کسانی که جایگاهی برای حرف زدن دارند و تریبون دارند، در اصل مسئله پیشرفت علمی کشور تردید می‌کنند! ما این را مصلحت نمی‌دانیم؛ یعنی واقعاً از روی بی‌اطلاعی است. باید یک «تور علمی» بگذاریم برای مسئولین در بخش‌های مختلف. حالا بعضی از بخش‌ها را دوستان بیان کردند؛ یکی از آقایان نانوفناوری را فرمودند - البته فقط نانوفناوری نیست - فرمودند چاهی حفر می‌کنیم، به نم که می‌رسد، آن را ول می‌کنیم؛ نه! دارند دنبال می‌کنند. آن کسانی که حفار چاه هستند، واقعاً دارند دنبال می‌کنند، به جاهای خوبی هم رسیدند. خب، [مثلاً] الآن پزشکی کشور، از جمله پیشرفته‌ترین پزشکی‌های دنیا است؛ ما از علوم روز دنیا و مرزهای دانش دنیا در پزشکی، چندان عقب‌ماندگی نداریم؛ خیلی نزدیک‌ایم. در زمینه‌های دیگر هم همین‌جور؛ همین دانش هسته‌ای، دانش سلول‌های بنیادی، و کارهای بزرگی از این قبیل، فراوان است که ما

پیشرفت‌های خیلی خوبی داشته‌ایم. کسانی که اطلاع ندارند، خوب نیست تردید بکنند. خوب بروند مطالعه کنند، تماس بگیرند! و همین‌طور که عرض کردیم، یک گردش علمی بگذارند و به یک جاهایی برسند!<sup>۴</sup>

## توجه و حمایت از تحقیقات علمی

### ضرورت استمرار و مدد رسانی

#### به نهضت علمی کشور

مسئله حرکت علمی کشور، به نظر من یک چیز اساسی است برای حیات آینده ملت ما و جامعه ما، بلکه به یک اعتبار برای حیات دنیای اسلام. ما سال‌ها است - شاید ده سال، دوازده سال است - که روی مسائل علم تکیه می‌کنیم و پاسخ هم داده است؛ یعنی حقیقتاً حرکت علمی و نهضت علمی در کشور شروع شده است و پیش‌رفته است و کارهای بزرگی انجام گرفته است ... کار شروع شده است و واقعاً در دنیا هم شناخته شده این حرکت علمی کشور و در واقع رونمایی شده از نهضت علمی کشور عزیز ما، لکن آنچه من را دچار دغدغه می‌کند، این است که ما این حرکتمان هنوز به نقطه ثبات نرسیده است. ما مثل کسانی هستیم که در یک سراسیمگی تند، داریم به طرف بالا حرکت می‌کنیم. بله! حرکت کرده‌ایم، پیش هم رفته‌ایم، کارهای زیادی هم انجام گرفته است، اما

وسط راه‌ایم؛ به دلایل مختلف در نیمه راه‌ایم ... در این سربالایی تند که داریم حرکت می‌کنیم، اگر توقف کردیم، این توقف با عقب‌گرد همراه خواهد بود؛ توقف دیگر نیست. اگر حرکت ما از دور افتاد، بازگرداندن این نهضت، این حرکت، این شتاب علمی مشکل‌تر خواهد بود؛ این دغدغه ما است. من می‌خواهم عرض بکنم: به این حرکت علمی باید با همه توان نیرو رساند، مدد رساند، باید کار کرد؛ نابدا وضعیتی پیش بیاوریم که این حرکت متوقف بشود.<sup>۴</sup>

## تولید علم و افزایش قدرت علمی

### جدّی گرفتن پیشرفت علمی

### و ارتباط علم با فناوری

من خواهش می‌کنم از مسئولان وزارتخانه‌های مربوط، و از مسئولان دولتی ذی‌ربط که مرتبط با مسائل علم و دانشگاه و صنعت هستند، مسئله پیشرفت علمی و ارتباط علم با فناوری در کشور را جدّی بگیرند؛ یعنی نسبت به این مسئله واقعاً هیچ کوتاهی صورت نگیرد. این مسئله، مسئله اساسی ما است؛ یکی از اصلی‌ترین، اساسی‌ترین و فوری‌ترین مسائل ما است. کار تحقیقات به‌جای خود، [اما] در پژوهش‌ها و آنچه در این زمینه لازم است انجام بگیرد، به نظر ما هیچ نایستی کوتاهی صورت بگیرد<sup>۴</sup>



# تدابیر برون مرزی

- جهت گیری در جهان اسلام
- جهت گیری در مصاف با استکبار
- جهت گیری در سیاست خارجی
- در قبال کشورهای همسایه
- جهت گیری تحولی در جهان

## جهت‌گیری در جهان اسلام

### مردم‌سالاری اسلامی

### راه مقابله اساسی با دشمنان

رها شدن از «دغدغه بیداری اسلامی و نهضت دنیای اسلام»، علت اصلی تلاش جبهه استکبار برای به راه‌اندازی جنگ شیعه و سنی [است]. ... و در تبیین راه‌های مقابله اساسی با دشمنان، مردم‌سالاری اسلامی، نسخه‌ای شفاف‌بخش و بی‌بدیل [است]. ... ملت عزیز و شجاع ایران، به فضل الهی، تاکنون دشمن را با «وحدت و هوشیاری و بصیرت»، ناکام گذاشته و بدون تردید از این پس نیز، همه حملات و توطئه‌های استکبار را بی‌نتیجه خواهد گذاشت و جبهه سلطه‌گران در نهایت در مقابله با بیداری اسلامی، قطعاً شکست خواهد خورد.<sup>۲</sup>

## وظیفهٔ نخبگان سیاسی و قدرتمندان حکومتی

### در ایجاد قدرت متشکل مسلمانان

عید فطر، آن طوری که از مجموع آثار و بیانات صادره از بزرگان دین استفاده می‌شود، یکی از مهم‌ترین خصوصیاتش این است که عید امت واحد است: «الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا»؛ (بخشی از دعای قنوت نماز عید فطر) عید همهٔ مسلمانان است. معنای این، نگاه امت‌سازِ دین مقدس اسلام و تعالیم پیامبر بزرگوار است. بسیاری از تعالیم اسلامی را که انسان مشاهده می‌کند، نشانه‌های تلاش برای ایجاد امت واحد در آنها محسوس است. امروز امت اسلامی متفرق است، نه به معنای تفرق نحله‌های (مذهب‌ها، گروه‌ها) مسلمان - که این یک امر طبیعی است، منافاتی هم با تشکیل امت واحد ندارد - و عقاید مختلف؛ نظرات گوناگون در زمینهٔ مسائل اصولی و فروعی می‌تواند باشد، در عین حال امت واحد هم باشد.

آنچه امروز آحاد مسلمانان را از یکدیگر جدا کرده است، سیاست‌ها است، انگیزه‌های سیاسی

است، انگیزه‌های قدرت‌طلبانه است؛ کشورهای مسلمان می‌توانند از این انگیزه‌ها عبور کنند. این برعهدهٔ نخبگان سیاسی و قدرتمندان و دارندگان مناصب حکومتی در کشورهای اسلامی است. اگر این بشود، به معنای حقیقی کلمه، یک قدرتی به وجود خواهد آمد که از همهٔ قدرت‌های متجاوز و مستکبر، برتر و فراتر خواهد بود؛ اگر این بشود، کسی نخواهد توانست به یک کشور اسلامی زور بگوید؛ هیچ قدرتی نخواهد توانست از کشورهای اسلامی و از دولت‌های مسلمان باج بطلبد؛ اگر با هم باشیم، اگر موارد مشترکمان را مورد توجه قرار بدهیم و روی آن متمرکز بشویم، اگر قدرت‌طلبی‌ها، خودخواهی‌ها، وابستگی‌ها، فسادها ما را از هم جدا نکند، قدرتی متشکل خواهد شد که خواهد توانست از حقوق و حوائج آحاد یک و نیم میلیارد مسلمان دفاع کند و حمایت کند؛ که امروز متأسفانه چنین چیزی نیست.<sup>۱۰</sup>

## وظیفهٔ دنیای اسلام در حمایت از غزهٔ مظلوم

آنچه امروز در مقابل چشم ما قرار دارد، قضایای غزه و فلسطین است. چرا متجاوزان صهیونیست به صرف اینکه دستشان به سلاح مخرب، به هواپیما، به موشک، به بمب و به آتش و باروت می‌رسد، به خودشان حق می‌دهند به مجموعهٔ یک کشور اسلامی، یک کشور مسلمان، این جور تعرض و تجاوز کنند که دل هر بیننده‌ای را در دنیا می‌سوزاند؟! دیدید تظاهرات را در کشورهای غربی؛ البته این به آن اندازه‌ای است که سانسورهای پنهان تبلیغات عمومی اجازه می‌دهد که مردم مطلع بشوند. سانسورهای پنهان نمی‌گذارند [مردم] حقایق را بفهمند. حقیقت، بسیار تلخ‌تر و دلخراش‌تر است از آنچه رسانه‌های دنیای غرب از قضایای غزه منعکس می‌کنند؛ درعین حال، شما ببینید همین [قدر]، چطور دل‌های مردمی را در کشورهایی که از اسلام هیچ بهره‌ای هم ندارند، تکان می‌دهد؛ حادثه، این قدر تلخ است! این قدر دلخراش است!

اما دنیای اسلام، امروز این توان را ندارد که در مقابل این تجاوز، در مقابل این سبعت، (درندگی) این خون‌آشامی، که از صهیونیست‌ها سر می‌زند، از خود عکس‌العمل نشان بدهد و آن را متوقف کند! لذا مردم غزه تنها می‌مانند. قدرت‌های مستکبر هم که از حضور صهیونیسم در قلب خاورمیانه راضی‌اند و مقاصد قدرت‌طلبانه‌ای را از این راه دنبال می‌کنند، نه فقط حمایت از مظلوم نمی‌کنند، بلکه با کمال وقاحت از ظالم حمایت می‌کنند. اینجا وظیفه دنیای اسلام است که یک کاری بکند.<sup>۱۰</sup>

## پیام جمهوری اسلامی

### به دنیای اسلام و دولت‌های اسلامی

پیام ما به دنیای اسلام، به دولت‌های اسلامی این است که:

۱ - از توان خودتان، از توانایی‌های عمومی و ملی و دولتی خودتان استفاده کنید، از مظلوم حمایت کنید؛ بفهمانید به دشمنان که دنیای اسلام در مقابل سبعبیت و تجاوز آرام نمی‌نشیند؛ پیام ما به دولت‌های اسلامی این است. ما با همهٔ اختلاف‌نظرهایی که ممکن است با برخی از دولت‌های اسلامی در زمینه‌های گوناگون سیاسی و غیر سیاسی داشته باشیم، اما همه باید در این امر از همهٔ آن اختلاف‌نظرها صرف‌نظر کنند. بخشی از امت اسلامی در قالب یک ملت مظلوم در چنگال یک گرگ خون‌خوار و خون‌ریزی دست‌وپا می‌زند؛ همه باید به کمک او بشتابند؛ این حرف ماست. امروز مسئلهٔ غزه، مسئلهٔ اوّل دنیای اسلام است. این [است] که پیغمبر ﷺ فرمود: «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»؛ (علل الشرائع، ص

۱۳۱): [هرکه صبح کند و اهتمامی به امور مسلمانان ندارد، پس مسلمان نیست.] اهتمام به این امر، در صدر اهتمامات همهٔ دنیای اسلام باید قرار بگیرد. آحاد مردم، ملّت‌ها، دولت‌ها بالخصوص، مسئولان کشورها، مسئولان دولت‌ها بایستی همه به فکر بیفتند. دو کار باید انجام بگیرد: یک کار کمک به مظلوم است؛ که این کمک به مظلوم به معنای فراهم کردن امکانات حیاتی آنهاست. امروز آنها به غذا احتیاج دارند، به دارو احتیاج دارند، به بیمارستان احتیاج دارند، به آب احتیاج دارند، به برق احتیاج دارند، به بازسازی منازلشان و شهرشان و مسکنشان احتیاج دارند، دنیای اسلام موظف است اینها را فراهم کند. اینها به سلاح هم احتیاج دارند؛ دشمن می‌خواهد دست اینها را از سلاح خالی کند، تا هروقت اراده کرد و میلش کشید - سرِ یک بهانه‌ای یا بی‌بھانه - به اینها حمله کند؛ اینها هم هیچ نتوانند از خودشان عکس‌العمل نشان بدهند؛ دشمن این را می‌خواهد. باید در مقابل این خواست ناحق دشمن، عزم دنیای اسلام خودش را



نشان بدهد. این کار اوّلی است که بایستی انجام بگیرد که کمک به مظلوم است: «وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا»؛ (نهج البلاغه، نامه ۴۷) عون مظلوم باشید، کمک مظلوم باشید. این کمک، کمکی است که به عهده همه دنیاى اسلام است. ما به دولت‌های مسلمان از همین جا - سفرای دولت‌های مسلمان اینجا حضور دارند - می‌گوییم: بیایید بر سرِ کمک‌رسانی به مردم غزه و غلبه بر موانعی که رژیم صهیونیستی در سرِ این راه به وجود آورده است، باهم همدست بشویم، باهم کار کنیم و انواع و اقسام کمک‌ها را به اینها برسانیم.

۲- وظیفه دومی که وجود دارد، مقابله و معارضة با کسانی است که این ظلم، این ستم بزرگ تاریخی، این نسل‌کشی، این بی‌حیایی و بی‌شرمی در جنایت و آدم‌کشی، از آنها دارد سر می‌زند؛ که انسان واقعاً حیرت می‌کند از بی‌شرمی اینها، که برای کشتن مردم غیر نظامی توجیه و استدلال و منطق ارائه می‌دهند؛ این قدر بی‌شرمند! برای کشتن بچه‌های کوچک، کودکان معصوم و

مظلوم استدلال مطرح می‌کنند؛ این قدر اینها وقیح‌اند! اینهایی که این جنایت را دارند می‌کنند، جانی‌اند، مباشرین جنایت‌اند، اما فقط اینها تنها نیستند. امروز هرکسی از صهیونیست‌ها حمایت می‌کند، اعمّ از مسئولین کشورهای مستکبر مثل آمریکا و انگلیس و غیرهم، یا مجامع عمومی مثل سازمان ملل و امثال اینها، که به نحوی یا با سکوت خود، یا با اظهارات خود و بیانات خود و حرف‌های غیر منصفانه خود، از اینها حمایت می‌کند، در این قضیه شریک جرم است. همه دنیاى اسلام، همه دولت‌های اسلامی، همه آحاد ملت‌های مسلمان موظف‌اند با اینها معارضه کنند، مقابله کنند، ابراز برائت کنند، از اینها ابراز نفرت بکنند، آنها را به خاطر این موضع‌گیری‌ها ملامت کنند، این وظیفه عمومی است؛ باید آنها را منزوی کنند، و اگر می‌توانند برخورد اقتصادی بکنند، برخورد سیاسی بکنند؛ این وظیفه امت اسلامی است.<sup>۱۰</sup>

## جهت‌گیری در مصاف با استکبار

### توانمندی عراق در مقابله با آتش‌افروزان

پشت پرده فتنه‌انگیزی و آتش‌افروزی در عراق، قدرت‌های غربی سلطه‌گر و در رأس آنها رژیم آمریکا قرار دارند و جمهوری اسلامی ایران ضمن مخالفت شدید با هرگونه دخالت آمریکا در مسائل داخلی عراق، معتقد است مردم و دولت و مرجعیت دینی این کشور توانایی پایان‌دادن به این آتش‌افروزی را دارند.<sup>۱</sup>

## توطئه‌های آمریکا

### در نفی حاکمیت نظام مردم سالاری عراق

در قضیه عراق، قدرت‌های سلطه‌گر غربی و به‌طور مشخص رژیم ایالات متحده آمریکا، در صدد سوء استفاده از جهالت‌ها و تعصب‌های تعدادی عوامل بی‌اختیار هستند. ... هدف اصلی از قضایای اخیر در عراق، محروم کردن مردم این کشور از دستاوردهایی است که علیرغم حضور و دخالت آمریکا بدست آورده‌اند، که مهمترین آن، حاکمیت نظام مردم سالاری است. ... آمریکا از روال کنونی در عراق یعنی برگزاری انتخاباتی با مشارکت خوب مردم و تعیین گزینه‌های مورد اعتماد مردم، راضی نیست. زیرا آمریکا به دنبال آن است که عراق تحت سلطه قرار گیرد و افراد گوش به فرمان آمریکا، حاکم باشند.<sup>۱</sup>

## الحاق عراق به اردوگاه آمریکا

### به بهانه جنگ شیعه و سنی

آنچه که در عراق روی داده است، جنگ شیعه و سنی نیست. بلکه نظام سلطه با استفاده از پس مانده‌های رژیم صدام به‌عنوان مهره‌های اصلی و عناصر تکفیری متعصب به‌عنوان پیاده نظام، تلاش برای برهم زدن ثبات و آرامش عراق و تهدید تمامیت ارضی این کشور دارد. ... عوامل اصلی فتنه در عراق، با سنی‌های مؤمن و معتقد به استقلال عراق همان اندازه خصومت دارند که با شیعه دشمن هستند. ... دعوای اصلی در عراق میان کسانی است که می‌خواهند عراق به اردوگاه آمریکا ملحق شود و کسانی که خواهان استقلال عراق هستند. ... خود عراقی‌ها، قادر به مقابله با این آتش‌افروزی و از بین بردن آن هستند. ... ما با دخالت آمریکایی‌ها و دیگران در مسائل داخلی عراق به‌شدت مخالف‌ایم و آن را تأیید نمی‌کنیم. زیرا معتقدیم دولت و ملت عراق و مرجعیت دینی این کشور توانایی تمام کردن این فتنه را دارند و ان شاءالله آن را تمام خواهند کرد.<sup>۱</sup>

## ضرورت بیداری و اتحاد

### در مقابله با رژیم صهیونیستی

حوادث تأسف بار غزه و کشتار بیرحمانه مردم به‌ویژه زنان و کودکان فلسطینی ... و مسائل غزه واقعاً مصیبت‌بار است و رژیم صهیونیستی با سوءاستفاده از غفلت دنیای اسلام، این فجایع را مرتکب می‌شود. ... کشتار مردم غزه به دست صهیونیست‌های غاصب، باید دولت‌ها و ملت‌های اسلامی را به خود بیاورد تا دست از اختلاف بردارند و با یکدیگر متحد شوند.<sup>۷</sup>

## غزّه مظلوم و مقاوم

### و وظیفه همگان در تجهیز ملت فلسطین

سه نکته در باب مسئله غزّه گفتنی است: ...

۱- آنچه امروز سردمداران رژیم صهیونیست انجام می‌دهند، یک نسل‌کشی است؛ یک فاجعه عظیم تاریخی است، و مجرم و پشتیبانان مجرم باید در سطح جهانی محکوم بشوند و باید مجازات بشوند. مجازات اینها چیزی است که سخنگویان ملت‌ها و مصلحان عالم و دلسوزان عالم باید مطالبه کنند؛ مرور زمان هم شامل آن نمی‌شود. باید مجازات بشوند؛ چه در رأس قدرت باشند، چه آن‌وقتی که از قدرت برکنار شدند و سقوط کردند؛ هم مرتکبان این جنایات، هم آن کسانی که دارند علناً از اینها پشتیبانی می‌کنند که در خبرها می‌شنوید و می‌بینید. ...

۲- قدرت تحمل و مقاومت مردمی را که پای حرف حق خودشان ایستاده‌اند، ببینیم. مردمی محصور از همه‌طرف، در یک نقطه کوچک و محدود: دریا به‌رویشان بسته، خشکی به‌رویشان

بسته، مرزها تماماً به روی آنها بسته؛ آب آشامیدنی‌شان، برقشان، امکاناتشان غیر قابل اطمینان، همه از دشمنی دشمن و از حمله دشمن و هیچ‌کس هم به آنها کمک نمی‌کند. این مردم در مقابل یک دشمن مسلح خبیث بی‌رحمی مثل رژیم صهیونیست و رؤسای پلید و خبیث و نجس آن رژیم قرار گرفته‌اند و آنها هم بدون هیچ ملاحظه‌ای شب‌وروز دارند می‌کوبند؛ [اما] این مردم ایستاده‌اند، مقاومت می‌کنند؛ این درس است. این نشان می‌دهد که قدرت مقاومت انسان، قدرت ایستادگی یک مادر که فرزند خود را در مقابل خود کشته می‌بیند [یا] یک زن که همسر یا برادر و پدر خود را زیر فشار می‌بیند، از آنچه ما در ذهن خودمان تصوّر می‌کنیم، به مراتب فراتر است. قدرت خودمان را بشناسیم. انسان‌ها این‌جور قدرتمندند، این‌جور می‌توانند ایستادگی کنند؛ که یک عده مردم - حدود یک میلیون و هشتصد هزار انسان - در چهارصد پانصد کیلومتر مربع زمین محصور و محاط، که باغشان را می‌زنند، دکانشان



را می‌زنند، خانه‌شان را می‌زنند، راه تجارت روی آنها بسته است، راه دادوستد بسته است، این جور هم مورد تهاجم‌اند، در عین حال ایستاده‌اند؛ این نشان‌دهندهٔ مبلغ و میزان قدرت مقاومت یک ملت است. و من به شما عرض بکنم که سرانجام هم به توفیق الهی و به اذن الهی، اینها بر دشمن پیروز خواهند شد. کما اینکه تا همین حالا هم دشمن متجاوز، مثل سگ پشیمان است از کاری که انجام داده است، گیر کرده، نمی‌داند چه کار کند: برگردد، آبرویش می‌رود؛ ادامه بدهد، کار برای او روزه‌روز سخت‌تر می‌شود؛ لذا شما می‌بینید آمریکا و اروپا و همهٔ مجرمان عالم دست‌به‌دست هم داده‌اند که این آتش‌بس تحمیلی را بر مردم غزه تحمیل کنند، برای اینکه او را نجات بدهند. تا الآن هم گیرکرده، بعد از این هم همین [طور] خواهد بود. ...

۳- سردمداران سیاسی استکبار می‌گویند: باید حماس و جهاد را خلع سلاح کنیم. یعنی چه خلع سلاح کنیم؟ یعنی حالا اینها یک تعدادی موشک

دارند که در مقابل حملات بی‌امان دشمن لااقل از خودشان مختصر دفاعی بکنند، [اما] همین را هم باید از آنها بگیریم؛ اصلاً باید فلسطین - از جمله غزه - جوری باشد که هر وقت دشمن صهیونیست اراده کرد بتواند حمله کند، بتواند هر آتشی روشن کند، آنها هم اصلاً نتوانند از خودشان دفاع کنند؛ اینها این را می‌خواهند! رئیس‌جمهور آمریکا، فتوا صادر کرده است که باید مقاومت خلع سلاح بشود! بله، معلوم است؛ می‌خواهید خلع سلاح شود تا همین مقدار ضربه‌ای را هم که در مقابل این‌همه جنایت وارد می‌کند، نتواند وارد کند؛ ما عرض می‌کنیم به‌عکس، همه دنیا و به‌خصوص دنیای اسلام، موظف‌اند هرچه می‌توانند به تجهیز ملت فلسطین کمک کنند.<sup>۹</sup>

## عزم راسخ ملت ایران

### در میدان دفاع از مظلومان غزه

ملت ایران بحمدالله نشان داده است که در این میدان‌ها [در مقابله با تجاوز استکبار و صهیونیست‌ها] با عزم راسخ می‌ایستد؛ این را نشان داده‌ایم. ملت ایران در قبال این تجاوز، در قبال این خباثت و دشمنی دچار رودربایستی با کسی نمی‌شود؛ دچار ملاحظه این قدرت و آن قدرت و این شخصیت و آن شخصیت نمی‌شود؛ حرف خود را صریح می‌زند. دیدید روز جمعه آخر ماه مبارک رمضان، ملت ایران در آن هوای داغ، با زبان روزه، مرد و زن در سرتاسر کشور به عرصه جامعه و خیابان‌ها آمدند و صدای بلند خود را به گوش دنیا رساندند. این یک کار لازم و واجبی بود که ملت ایران از عهده‌اش برآمد؛ هر کار دیگری هم لازم باشد، این ملت ملت مستحکم و ایستاده‌ای است. و ان شاء الله اهداف و آرمان‌های این ملت و اهداف و آرمان‌های والای امت اسلامی به توفیق الهی و به کوری چشم دشمنان محقق خواهد شد.<sup>۱۰</sup>

## افزایش نفرت ملت‌ها از آمریکا

هیچ‌کس در دنیا نیست که آمریکایی‌ها را از مشارکت با جنایات و نسل‌کشی رژیم «غاصب»، گرگ صفت، قاتل، کافر و ظالم صهیونیست» در غزه مبرا بداند. بنابراین، آمریکایی‌ها اکنون در موضع ضعف بیشتری قرار دارند. ... منطق فلسطینی‌ها در قضیه آتش‌بس [غزه] درست است. آنها می‌گویند: قبول آتش‌بس، به معنای این است که رژیم خون‌خوار و درنده صهیونیست، هر فاجعه‌ای خواست بیافریند و بعد بدون هیچ توانی، اوضاع به روز قبل از حمله، یعنی محاصره شدید و ادامه فشارها برگردد. ... همانگونه که فلسطینی‌ها می‌گویند، برای این همه جنایت، باید توانی وجود داشته باشد که پایان محاصره غزه است و هیچ انسان منصفی نمی‌تواند این خواسته بر حق را نفی کند.<sup>۱۱</sup>

## جهت‌گیری در سیاست خارجی

### جایگاه دستگاه دیپلماسی هوشمندانه و فعال

یک دیپلماسی هوشمندانه و فعال می‌تواند دستاوردهای بسیار مهم سیاسی، اقتصادی، انسانی و اجتماعی به همراه بیاورد که با هیچ حرکتی از جمله جنگ‌های پرهزینه و پرخطر نیز حاصل نمی‌شود و این واقعیت نشان دهنده وزن و جایگاه دستگاه دیپلماسی در مجموعه مدیریت یک کشور است. ... رویدادهای چندین سال اخیر در منطقه نشان دهنده واقعیت یاد شده [است]. ... قدرت‌هایی تلاش کردند با زور و اسلحه منافع خود را تأمین کنند که ناکام ماندند. اما کسانی با ظرافت، هوشمندی و تحرک، توانستند منافع خود را به‌خوبی تأمین کنند. ... در مسئله سیاست خارجی، دستگاه‌های دیگری هم مؤثراند. اما وزارت خارجه به‌عنوان یک سازمان موظف و ارتش منظم، مسئولیت اصلی را بر عهده دارد.<sup>۱۱</sup>

## الزامات دیپلماسی موفق

از شروط و لوازم دیپلماسی موفق، ...

۱- تعیین دقیق و صریح هدف‌هاست ... برخی اهداف، آرمان‌های بزرگ و ملی هستند، برخی راهبردی و منطقه‌ای به شمار می‌روند و بعضی دیگر مقطعی و موضعی هستند که این اهداف در همه سطوح باید دقیقاً مشخص باشد تا همه عناصر فعال در دیپلماسی در ستاد و صف، وظایف خود را به‌خوبی بدانند. ...

۲- سازماندهی مناسب، شرط دوم دیپلماسی موفق[است]. ... این سازماندهی باید با نگاه به اهداف و با توجه به قابلیت‌ها انجام شود. ...

۳- برخورداری از عناصر با صلاحیت شرط دیگر یک دیپلماسی موفق[است]. ... مفهوم «صلاحیت‌های دیپلماتیک»، عناصری همچون «هوش و مهارت دیپلماتیک»، «انعطاف در جای لازم»، «نفوذناپذیری در مواقع ضروری»، و «پایبندی صادقانه و عمیق به اهداف» مورد [نظر است]. ... هوش دیپلماتیک: ... این ویژگی انسان

را قادر می‌سازد اهداف و حرکات طرف‌های مقابل را در مذاکرات و تعاملات پیش‌بینی کند و حرکات خود را با توجه به آنها، برنامه‌ریزی و عملیاتی سازد. ... «مهارت دیپلماتیک»: استفاده به‌موقع و به‌جا از انعطاف و اقتدار[است]. ... معنای دیگر این ویژگی، نرمش قهرمانانه است که صلح امام حسن مجتبی‌علیه‌السلام پرشکوه‌ترین نمونه تاریخی آن به شمار می‌رود. ... نرمش قهرمانانه، برخلاف برخی تفاسیر، معنای واضحی دارد که نمونه آن در مسابقه کشتی نمایان است در این مسابقه که هدف آن شکست دادن حریف است. اگر کسی قدرت داشته باشد، اما انعطاف لازم را در جای خود به‌کار نگیرد، قطعاً شکست می‌خورد. اما اگر انعطاف و قدرت را به‌موقع مورد استفاده قرار دهد، پشت حریف را به‌خاک می‌نشانند. ... «پایبندی عمیق و صادقانه به آرمان‌ها و اهداف»: اگر کسی بدون ایمان و باور عمیق به اهداف، در عرصه دیپلماسی فعال باشد، قطعاً نمی‌تواند موفق شود. ... واقعیت این است که میدان دیپلماسی عرصه پنجه انداختن

---

---

است و اگر کسی بدون اعتقاد راسخ به هدف، به این کار اقدام کند یا در همان موقعیت و یا در نهایت، شکست خواهد خورد. ...

۴- تحرک فراوان و بی‌وقفه شرط دیگر و از لوازم دیپلماسی موفق[است]. ... تحرک بالا لازمه لاینفک دیپلماسی است و باید مورد توجه جدی قرار داشته باشد.<sup>۱۱</sup>



## حدود تعامل با دنیا

[در] تعامل با جهان ... دو استثنا وجود دارد:

رژیم صهیونیستی و آمریکا. ... رابطه با آمریکا و مذاکره با این کشور، به جز در موارد خاصی، برای جمهوری اسلامی، نه تنها هیچ نفعی ندارد، بلکه ضرر هم دارد و کدام عاقلی است که دنبال کار بی منفعت برود؟! ... عده‌ای این جور وانمود می‌کردند که: اگر با آمریکایی‌ها دور میز مذاکره بنشینیم، بسیاری از مشکلات حل می‌شود. البته ما می‌دانستیم این جور نیست. اما قضایای یک سال اخیر، برای چندمین بار، این واقعیت را اثبات کرد. ... در گذشته، میان مسئولان ما و مسئولان آمریکا، هیچ ارتباطی نبود. اما در یک سال اخیر، به خاطر مسائل حساس هسته‌ای و تجربه‌ای که مطرح شد انجام بشود، بنا شد مسئولان تا سطح وزارت خارجه تماس‌ها، نشست‌ها و مذاکراتی داشته باشند، اما از این ارتباطات، نه تنها فایده‌ای عاید نشد، بلکه لحن آمریکایی‌ها تندتر و اهانت آمیزتر شد و توقعات طلبکارانه بیشتری را در جلسات

مذاکرات و در تریبون‌های عمومی بیان کردند. ... البته مسئولان ما در نشست‌ها در جواب طلبکاری آنها، جواب‌های قوی‌تر و گاهی گزنده‌تر دادند. اما در مجموع معلوم شد مذاکره برخلاف تصورات برخی‌ها، به‌هیچ چیز کمک نمی‌کند. ... آمریکایی‌ها نه تنها دشمنی‌ها را کم نکردند، بلکه تحریم‌ها را هم افزایش دادند! البته می‌گویند: این تحریم‌ها، جدید نیست. اما در واقع جدید است و مذاکره در زمینه تحریم هم، فایده‌ای نداشته است. ... البته در زمینه ادامه مذاکرات هسته‌ای، منع نمی‌کنیم و کاری که دکتر ظریف و دوستانشان شروع کردند و تا امروز هم خوب پیش‌رفتند، دنبال می‌شود. اما این، یک تجربه ذی‌قیمت دیگر برای همه بود که متوجه شویم نشست و برخاست و حرف زدن با آمریکایی‌ها، مطلقاً تأثیری در کم کردن دشمنی آنها ندارد و بدون فایده است.<sup>۱۱</sup>

## ضررهای ناشی از مذاکره با آمریکایی‌ها

مذاکره با آمریکایی‌ها، ... این کار، ما را در افکار عمومی ملت‌ها و دولت‌ها به تذبذب متهم می‌کند و غربی‌ها با تبلیغات عظیم خودشان، جمهوری اسلامی را دچار انفعال و دوگانگی جلوه می‌دهند. ... همچنین ضرر دیگر نشست و برخاست با آمریکا ایجاد زمینه برای طرح توقعات جدید از سوی آنهاست. ... تا وقتی وضع کنونی یعنی دشمنی آمریکا و اظهارات خصمانه دولت و کنگره آمریکا درباره ایران ادامه دارد، تعامل با آنها نیز هیچ وجهی ندارد.<sup>۱۱</sup>

## جهت‌گیری در قبال کشورهای همسایه

### خاموشی فتنه در عراق به توفیق الهی

مسئله منطقه ... و مسئله عراق، ... که در حقیقت فتنه است و ان‌شاءالله به توفیق الهی مردم مؤمن عراق خواهند توانست این فتنه را خاموش کنند و از بین ببرند. و ان‌شاءالله ملت‌های منطقه، روزبه‌روز رو به رشد و اعتلای مادی و معنوی پیش خواهند رفت.<sup>۵</sup>

### خنثی‌سازی فتنه عراق

ان‌شاءالله با تعیین نخست‌وزیر جدید عراق، گره کارها باز و دولت تشکیل می‌شود تا بتواند کار کند و به کسانی که قصد فتنه در عراق داشته و دارند، درس خوبی بدهد.<sup>۱۱</sup>

## جهت‌گیری تحولی در جهان

### جنگ تروریسم و دلبستگان به غرب

#### با طرفداران استقلال ملت‌ها

آنچه در عراق می‌گذرد، جنگ «تروریسم و دلبستگان به غرب» با «مخالفان تروریسم و طرفداران استقلال ملت‌ها» است. ... دشمنان اسلام امروز بر روی ایجاد جنگ‌های داخلی میان ملت‌ها سرمایه‌گذاری کرده‌اند تا مردم را با عناوین قومی و مذهبی به جان یکدیگر بیاندازند. ... در عراق، دنباله‌ها و تفاله‌های رژیم صدام به همراه عده‌ای انسان‌های غافل، جاهل و دور از فهم و معنویت، دست به جنایت می‌زنند و دشمنان، این حوادث را جنگ شیعه و سنی می‌نامند. اما این فقط یک آرزوست. ... آنها به دروغ حوادث عراق را جنگ شیعه و سنی می‌نامند. اما این جنگ، جنگ تروریسم با مخالفان تروریسم، جنگ دلبستگان به اهداف آمریکا و غرب با طرفداران استقلال ملت‌ها و جنگ انسانیت با بربریت و وحشیگری است. ... ملت‌ها باید هوشیارانه این تحرکات را زیر نظر داشته باشند و بدانند دشمن برای از بین بردن استقلال و عزت مسلمانان، از هیچ کاری ابا ندارد.<sup>۲</sup>

## سازوکار جمهوری اسلامی

### برای نابودی رژیم صهیونیستی

بعضی از مسائل امروز که با اینها مواجه هستیم، مسائل مربوط به محیط پیرامونی ماست، مسائل منطقه است. مسائل منطقه از مسائل کشور جدا نیست؛ که یک مسئله اساسی و مهم امروز، همین مسئله فلسطین و مسئله غزه است. خب! مسائل غزه و مصائبی که بر مردم غزه امروز دارد می‌گذرد - که این جور کارها سابقه هم دارد - از دو منظر باید مورد توجه قرار بگیرد: یک منظر این است که این نشان‌دهنده واقعیت رژیم صهیونیستی است؛ رژیم صهیونیستی این است؛ این به نظر من آن بخش نه‌چندان مهم مسئله است. رژیم صهیونیستی یک رژیمی است که از اول تولد نامشروع خود، بنا را گذاشته است بر خشونت آشکار، انکار هم نمی‌کند؛ بنا را گذاشتند بر مشت آهنین، همه جا هم می‌گویند، افتخار هم می‌کنند، سیاستشان هم همین است. از سال ۱۹۴۸ که این رژیم جعلی به‌طور رسمی به‌وجود آمد تا امروز، ۶۶ سال است

که سیاست رژیم صهیونیستی همین است. البته تا قبل از اینکه این رژیم رسماً هم شناخته بشود و استعمارگرها آن را بر دنیا و بر منطقه تحمیل کنند، صهیونیست‌ها در فلسطین جنایت‌های زیادی کردند؛ لکن این ۶۶ سال، به‌عنوان یک نظام سیاسی هر کار توانستند انجام دادند و هر خشونتی که به ذهن می‌گنجید که یک دولت می‌تواند نسبت به یک مردمی انجام بدهد، اینها انجام دادند؛ هیچ ابایی هم ندارند؛ این واقعیت رژیم صهیونیستی است؛ علاجی هم ندارد جز از بین رفتن این رژیم. از بین رفتن رژیم صهیونیستی هم به‌هیچ‌وجه به معنای قتل‌عام کردن مردم یهودی در آن منطقه نیست؛ یعنی این منطقی که امام بزرگوار مطرح کردند که «اسرائیل باید از بین برود»، (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۳۰) یک منطق انسانی است؛ ما سازوکار عملی آن را هم به دنیا ارائه کردیم، که کسی هم نتوانست هیچ ایراد منطقی بگیرد. ما گفتیم: از این مردمی که در این منطقه زندگی می‌کنند و اهل اینجا هستند و متعلق به خود اینجا هستند، یک نظرسنجی

و نظرخواهی بشود؛ یعنی یک رفراندمی انجام بگیرد، رژیم حاکم بر این منطقه را رفراندم معین کند، مردم معین کنند؛ معنای از بین رفتن رژیم صهیونیستی یعنی این؛ سازوکار آن این است؛ یک کاری است که منطق امروز دنیا آن را درک می‌کند و می‌فهمد و می‌پسندد و کاری است عملی. ما حتی شکل آن را هم در ارتباط با سازمان ملل و بعضی از مراجع بین‌المللی تعیین کردیم و ابراز کردیم، محل بحث هم واقع شد؛ یعنی این رژیم وحشی و گرگ‌صفت که سیاستش این است که با مشت آهنین، با بی‌رحمی و سنگ‌دلی با مردم رفتار بکند و آدم‌کشی و کودک‌کشی و حمله به مناطق و ویرانگری اصلاً برایش مهم نیست و انکار هم نمی‌کند، علاجش جز از بین رفتن و نابود شدن نیست؛ که اگر ان شاء الله آن روز فرارسید و نابود شد، که چه بهتر.<sup>۸</sup>



## مقاومت مسلحانه

### تنها راه مقابله با رژیم صهیونیستی

تا وقتی که این رژیم جعلی [صهیونیستی] سرپا است و نابود نشده است، علاج چیست؟ علاج، مقاومت قاطع و مسلحانه در مقابل این رژیم است؛ در مقابله با رژیم صهیونیستی، باید از سوی فلسطینی‌ها دست قدرت نشان داده بشود. کسی گمان نکند که اگر چنانچه موشک‌های غزه نبود، رژیم صهیونیستی کوتاه می‌آمد؛ نخیر! حالا شما نگاه کنید ببینید در کرانه باختری چه می‌کنند؟! در کرانه باختری که موشکی وجود ندارد، سلاحی وجود ندارد، تفنگی وجود ندارد؛ آنجا تنها ابزار و سلاح مردم، سنگ است؛ ببینید آنجا رژیم صهیونیستی دارد چه کار می‌کند: هرچه از دستش بر بیاید، خانه‌های مردم را خراب می‌کند، باغ‌های مردم را خراب می‌کند، زندگی مردم را نابود می‌کند، آنها را به خواری و ذلت می‌کشانند، تحقیر می‌کند؛ اگر لازم شد آب را رویشان می‌بندد، برق را رویشان می‌بندد؛ کسی مثل یاسر عرفات را که

این‌همه با صهیونیست‌ها همراهی کرد، نتوانستند تحمل کنند، محاصره‌اش کردند، تحقیرش کردند، مسمومش کردند، نابودش کردند. این‌جور نیست که اگر چنانچه دست قدرت در مقابل صهیونیست‌ها نشان ندهیم، آنها به کسی رحم کنند، ملاحظه کسی را بکنند، حق کسی را رعایت کنند، ابداً! تنها علاجی که تا قبل از نابودی این رژیم وجود دارد عبارت است از اینکه فلسطینی‌ها بتوانند قدرتمندانه برخورد کنند؛ اگر قدرتمندانه برخورد کردند، احتمال اینکه طرف مقابل - که همین رژیم گرگ‌صفتِ خشن است - کوتاه بیاید، وجود دارد؛ کما اینکه الآن دارند با همه توان دنبال آتش‌بس می‌گردند؛ یعنی بیچاره شدند. آدم‌کشی می‌کند، کودک‌کشی می‌کند، قساوت بیرون از حد و اندازه معقول بشری نشان می‌دهد، اما در عین حال عاجز هم هست؛ یعنی در یک محذور، در یک گرفتاری سخت گرفتار است؛ لذا دنبال آتش‌بس است. لذا بنده عقیده‌ام این است، این اعتقاد ماست که کرانه باختری هم مثل غزه باید

مسلح بشود. دست قدرت [لازم است]. کسانی که  
علاقه مند به سرنوشت فلسطین اند، اگر می توانند  
کاری بکنند، کار این است؛ در آنجا هم باید مردم  
را مسلح کنند. تنها چیزی که ممکن است از  
محنت فلسطینی ها بکاهد، عبارت است از همین  
که دست قدرت داشته باشند، بتوانند قدرت نمایی  
بکنند؛ والا با برخورد رام و مطیع و سازش کارانه،  
هیچ کاری به نفع فلسطینی ها انجام نخواهد گرفت  
و از خشونت این موجود خشن و خبیث و  
گرگ صفت چیزی کاسته نخواهد شد.<sup>۸</sup>

## غزه، قضیهٔ اوّل دنیای انسانیت

امروز قضیهٔ اوّل جهان اسلام قضیهٔ غزه است؛ شاید بشود گفت قضیهٔ اوّل دنیای انسانیت، قضیهٔ غزه است. سگ هاری و گرگ درنده‌ای به انسان‌های مظلوم حمله کرده است؛ چه کسی مظلوم‌تر از کودکان معصومی که در این حملات جان خود را مظلومانه از دست دادند؟ چه کسی مظلوم‌تر از مادرانی که فرزندان خودشان را در آغوش خودشان گرفتند و به چشم خود مرگ و پرپر زدن آنها را مشاهده کردند؟ رژیم غاصب صهیونیست کافر، دست به چنین جنایاتی زده است امروز در مقابل چشم بشریت و انسانیت؛ بشریت باید عکس‌العمل نشان بدهد.<sup>۹</sup>

## تثبیت جایگاه جمهوری اسلامی ایران

### در نظم جدید جهانی

در عرصه دیپلماسی، دوران فعلی، دوران گذر به یک نظم جدید جهانی [است]. ... در کنار بازیگران سنتی، بازیگران جدیدی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین وارد عرصه شده‌اند و در تلاش‌اند جایگاه خود را در نظم جدید پیش رو، تثبیت کنند. ... در این دوران، دیپلماسی قوی و کارآمد اهمیت مضاعفی می‌یابد و به همین علت، امروز کار وزارت خارجه از گذشته حساس‌تر است. ... اگر در مقطع فعلی دستگاه دیپلماسی بتواند حضور فعال، هوشمندانه و مقتدرانه داشته باشد، جایگاه و استحکام جمهوری اسلامی در چندین ده سال آینده و در نظم جدید جهانی به‌عنوان جایگاهی برجسته تثبیت می‌شود و گرنه، در جهان پیش رو، از موقعیت لازم برخوردار نخواهیم بود. ... «شکار فرصت‌ها و استفاده صحیح از آنها»، ... تحولات منطقه‌ای و جهانی، بسیار سریع است و باید به‌طور آنی، آنها را رصد کرد و با تحرک بالا، هر حادثه و

رویدادی را بلافاصله تحلیل کرد و با درک نسبت آن با اهداف و آرمان‌ها، موضع خود را در قبال آن مشخص نمود. ... دستگاه دیپلماسی با تمرکز بر اهداف و سیاست‌های کلانی ... باید به‌طور دائم مد نظر مسئولان سیاست خارجی باشد. ... «به کرسی نشاندن منطق جمهوری اسلامی» یعنی مردم‌سالاری دینی هدفی بزرگ [است که] ... در این مسئله بدون انفعال وارد شوید چرا که این هدف به‌خصوص در منطقه اسلامی، کاملاً قابل تحقق است.<sup>۱۱</sup>

## ویژگی‌های دیپلماسی ایرانی

از دیگر اهداف مهم دست‌اندرکاران سیاست خارجی، ... ویژگی‌ها و ممیزات دیپلماسی ایرانی در جهان [است]: ...

۱- پایبندی به موازین شرع در رفتارهای فردی و اجتماعی و در محافل دیپلماتیک، و نترسیدن از هیبت و تشر قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا، ویژگی خاص دیپلماسی ایرانی است و باید مورد توجه جدی باشد. ...

۲- نهراسیدن از قدرت‌های سلطه‌گر، بعد از انقلاب، به خصوصیت بارز سیاست خارجی جمهوری اسلامی تبدیل شده که این ویژگی هم در دل ملت‌ها جاذبه ایجاد کرده و هم سیاستمداران دنیا را چه بگویند و چه پنهان کنند به تعظیم و تجلیل وا داشته است. ...

۳- «دفاع صریح، قاطع و واقعی از مظلوم» از دیگر ویژگی‌های دیپلماسی ایرانی [است]. ... این خصوصیت در تمام سال‌های بعد از انقلاب، در دفاع از ملت و مبارزین فلسطینی و لبنانی و موارد مشابه دیگر، جلوه داشته است. ...

۴- «مخالفت جدی با نظام سلطه» از خصوصیات آشکار سیاست خارجی جمهوری اسلامی [است و] ... مسئولان ما با شهادت و بدون رودربایستی با حضور سلطه گران و به‌ویژه آمریکا در هر جای جهان، مقتدرانه مخالفت کرده و می‌کنند. ...

۵- «تأمین منافع ملی» از اهداف مشترک همه دستگاه‌های دیپلماسی جهان [است که] ... در دیپلماسی ایرانی، علاوه بر تلاش برای تأمین منافع ملی، «حفظ سرمایه ملی»، بسیار مهم است، چرا که اگر سرمایه ملی از دست برود دستگاه دیپلماسی بدون پشتوانه می‌شود و منافع ملی نیز قابل تأمین نخواهد بود. ...

۶- «هویت ملی، اسلامی، انقلابی و تاریخی» سرمایه ملی ایرانیان [است]. ... استقلال برآمده از انقلاب اسلامی، دین، ملت مؤمن، جوانان انقلابی، سخن قاطع در مقابل زیاده‌خواهان، دانشمندان، نخبگان و فعالیت‌های علمی از جمله عناصر سرمایه ملی هستند که باید در عرصه دیپلماسی حفظ شوند تا منافع ملی هم تأمین شود.<sup>۱۱</sup>



# تدابیر تصمیمات راهبردی

• تدابیر و توصیه‌های حیاتی و سرنوشت‌ساز

## تدابیر و توصیه‌های حیاتی و سرنوشت‌ساز

اول- یک توصیه خطاب به همه مسئولین: ...

۱- نگاه به اوضاع سیاسی جهان و منطقه نشان می‌دهد که ما در مقطع حسّاسی هستیم؛ به معنای واقعی کلمه، امروز یک پیچ تاریخی است. این را بدانید! اگر قوی نباشید، زور خواهید شنید! نه از آمریکا و غرب، حتّی از موجودی مثل صدام. اگر قوی نباشید، به شما زور می‌گویند، بر شما تحمیل می‌کنند. باید قوی بشوید! عناصر قوّت چیست؟ چگونه می‌شود فهمید و قبول کرد که ما قوی هستیم؟ روحیه، امید، کاروتلاش، شناخت رخنه‌های اقتصادی، رخنه‌های فرهنگی، رخنه‌های امنیتی. اینها را بشناسید و این رخنه‌ها را ببندید! هم‌افزایی دستگاه‌های مسئول. به هم کمک کنند دستگاه‌ها. هم‌افزایی دستگاه‌های مسئول با مردم؛ اینها عناصر قوّت است. این یک توصیه که این توصیه به همه است.

۲- ... تا می‌توانید و فرصت هست، کار کنید. فرصت‌ها محدود است. ما اشخاص رو به زوالی هستیم، فرصت محدودی داریم، تا می‌توانیم، تا هستیم، کار کنیم. نگویید: نمی‌گذارند؛ این «نمی‌گذارند» حرف قابل پذیرشی نیست. خیلی‌ها هم می‌گفتند، قبلاً هم می‌گفتند، حالا هم بعضی‌ها می‌گویند نمی‌گذارند؛ نمی‌گذارند یعنی چه؟! شما چه در مجلس، چه در دولت، چه در قوه قضائیه، چه در نیروهای مسلح، چه در بخش‌های گوناگون مربوط به دولت. توانایی‌هایی دارید، امکاناتی در اختیار دارید، از این امکانات استفاده کنید. تا می‌توانید کار کنید! نگذارید لحظه‌ای بیکار بگذرد!

۳- ... حرکت را براساس اصول انقلاب تنظیم کنید؛ از حاشیه‌سازی پرهیز کنید، به حل مشکلات مردم پردازید.

۴- ... هم‌گرایی بخشی و هم‌گرایی قوه‌ای را مهم بشمارید. بنده توصیه مکرر می‌کنم به مسئولین محترم قوای سه‌گانه که جلساتشان را به‌طور مرتب داشته باشند؛ خیلی از مسائل در این جلسات

مشترک حل می‌شود: جلسات دولت و مجلس، جلسات قوه قضائیه و دولت، جلسات قوه قضائیه و مجلس؛ این دیدارها، این تبادل نظرها، این استفاده از نظرات یکدیگر، موجب هم‌افزایی است.

۵- ... مسئله مدیریت جهادی. این توصیه، مربوط به همه است.

دوم- توصیه‌ای به خصوص دولت و قوه مجریه:

۱- ... این را همه بدانند: بنده دولت را حمایت می‌کنم. من از همه توانی که در اختیارم هست، استفاده خواهم کرد برای کمک به دولت. دولت را تأیید می‌کنم. حمایت می‌کنم. مثل همه دولت‌های گذشته. نسبت به مسئولان بلندپایه دولت - آنهایی که می‌شناسم - اعتماد دارم. همه دولت‌هایی که بعد از انقلاب سر کار آمدند، دولت‌های منتخب مردمند و بنده در همه این دوره‌ها - آنوقتی که مسئولیت داشتم - از همه این دولت‌ها حمایت کردم. همه دولت‌ها هم نقاط مثبتی دارند، [هم] نقاط منفی‌ای دارند؛ هیچ دولتی نیست که بگوید: من همه نقاط مثبت است یا کسی بگوید همه

نقاطش منفی است؛ نه، مثبت و منفی مخلوط است. البته نسبت به دولت‌های گذشته، بهتر این است که نقد به صورت کارشناسی انجام بگیرد؛ نقد در منبرهای عمومی خیلی مصلحت نیست؛ نسبت به دولت کنونی هم نقد باید منصفانه، محترمانه، دلسوزانه باشد؛ به معنای مچ‌گیری، به معنای اذیت کردن نباشد.

۲- ... به مسئولین دولت عرض می‌کنم: اقتصاد مقاومتی را جدی بگیرید. خب! رئیس‌جمهور محترم گفتند، مسئولین دیگر هم کم‌وبیش اظهار کرده‌اند، گفته‌اند، منتها باید عمل کرد: «وَلَا مِمَّنْ عَلَىٰ غَيْرِ عَمَلٍ يَتَّكِلُ»؛ این جور نباشد که به زبان بگوییم، در عمل کُند حرکت بکنیم. در اقتصاد مقاومتی تکیه بر تولید داخلی است، بر استحکام بنیۀ درونی اقتصاد است. رونق اقتصادی هم این است؛ رونق اقتصادی با تولید حاصل می‌شود، با فعال کردن ظرفیت‌های درونی کشور حاصل می‌شود، نه با چیز دیگر!

۳- توصیه مهم در زمینه اقتصاد مقاومتی، یکی توصیه به بانک‌ها است: بانک‌ها باید نقش ایفا کنند. باید خودشان را تطبیق بدهند با مواد سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و برنامه‌ریزی‌های دولت در این زمینه؛ و می‌توانند نقش ایفا کنند، نقش مثبت؛ البته نقش منفی هم می‌توانند!

۴- توصیه مؤکد به بخش صنعت و معدن: تحرکشان را باید افزایش بدهند. بار اصلی بیرون رفتن کشور از رکود و عقب‌ماندگی اقتصادی، بر دوش بخش صنعت و معدن است. باید تلاش کنند. تلاش را باید مضاعف کنند. ظرفیت‌ها را شناسایی کنند. ظرفیت‌های زیادی در کشور هست. این ظرفیت‌ها را فعال کنند.

۵- در مورد بخش کشاورزی؛ کشاورزی اهمیت حیاتی دارد. لازم است نگاه دولت و سیاست‌های دولتی به بخش کشاورزی، نگاه حمایت باشد؛ همه‌جای دنیا هم همین‌جور است! از بخش کشاورزی به‌وسیله دولت‌ها حمایت می‌شود. آن‌وقت باید مشکلات موجود در بخش

کشاورزی برطرف بشود؛ مشکلات کشاورزان، مشکلات دامداران - که گاهی شکایت‌هایی هم به ما می‌شود - و انسان رنج می‌برد از بعضی از مشکلاتی که برای اینها وجود دارد.

**سوّم -** شعار دولت، اعتدال است. اعتدال، شعار بسیار خوبی است. ما هم تأیید می‌کنیم اعتدال را؛ افراط محکوم است و بد است. سفارشی که من می‌کنم این است که: مراقب باشید جریان‌های مؤمن را با شعار اعتدال کنار نزنند؛ بعضی‌ها این کارها را دارند می‌کنند. من می‌بینم در صحنه سیاسی کشور! با شعار اعتدال، با شعار پرهیز از افراط، سعی می‌کنند جریان مؤمن را که در خطرها آن جریان است که زودتر از همه سینه سپر می‌کند، آن جریان است که دولت‌ها را در مشکلات واقعی به معنای حقیقی کلمه حمایت می‌کند، کنار بزنند؛ مراقب باشید! اسلام، مظهر اعتدال است. این: «أَشِدَّاءَ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ» (فتح ۲۹) اعتدال است؛ «قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ» (توبه ۱۲۳) اعتدال است؛ امر به معروف و نهی از منکر اعتدال

است - اعتدال اینها است دیگر - معنای اعتدال این نیست که ما از کارهای احساس وظیفه‌ای که فرد مؤمن، جریان مؤمن، مجموعه مؤمن انجام می‌دهد، جلوگیری کنیم.

**چهارم -** سفارش به جریان‌های سیاسی و مطبوعاتی؛ یک توصیه به برادران و مسئولان جریان‌های سیاسی و مطبوعاتی داریم. مراقب باشید! فضای جنجالی در کشور به نفع کشور نیست! بعضی‌ها روی اعصاب مردم این‌قدر راه نروند که آدم مشاهده می‌کند! امنیت فکری و ذهنی برای مردم مهم است. فضای دعوا و فضای اختلاف را افزایش ندهند، تشدید نکنند! حرف‌های دشمنان را هم مرتب تکرار نکنند. بنده هرروز مبالغ زیادی روزنامه نگاه می‌کنیم - مثل خیلی از چیزهای دیگری که زیاد می‌خوانم - گاهی یک حرف‌هایی، یک تیتروایی در روزنامه‌ها [می‌آید] که باب فلان روزنامه آمریکایی است! اتفاقاً گاهی هم در همان روزنامه‌های آمریکایی و غیر



آمریکایی هم هست که آنها هم گاهی برای ما می‌آید. مراقب باشید؛ این جور درست نیست.

**پنجم -** یک مسئله حسّاس کنونی، مسئله هسته‌ای است که بیانات امروز رئیس‌جمهور محترم کاملاً خوب و درست بود. طرف مقابل به مرگ گرفته که به تب راضی بشوید. هدف آنها این است که جمهوری اسلامی را در باب ظرفیت غنی‌سازی مثلاً - که یکی از مسائل است - به ده هزار سو راضی کنند. منتها از پانصد سو و هزار سو شروع کرده‌اند که حدود ده هزار سو مثلاً محصول حدود ده هزار ساترپیوژ - همین قدیمی‌هایی که از قبل داشتیم و داریم - است. هدف آنها این است. مسئولین ما می‌گویند: ما به ۱۹۰۰۰۰ سو احتیاج داریم. ممکن است این نیاز مال امسال و دو سال دیگر و پنج سال دیگر نباشد، اما این نیاز قطعی کشور است، خب! باید نیاز کشور تأمین بشود. اصل حرفی که آمریکایی‌ها در این قضیه دارند، حرف ناحقی است. یک کشوری احتیاج به انرژی هسته‌ای دارد، خودش با تلاش

خود، با دنبال‌گیری خود، بدون اینکه از کسی دزدی کند، بدون اینکه با کسی ساخت‌وپاخت بکند، توانسته این علم را، این دانش را، این فناوری را برای خود فراهم کند؛ حالا وایستاده‌اند که: نه! نباید. خب چرا؟ این «نباید» چه منطقی دارد؟ می‌گویند: ما از بمب هسته‌ای می‌ترسیم! اولاً تضمین برای جلوگیری از سلاح هسته‌ای راه‌های خودش را دارد؛ اشکالی هم ندارد. ثانیاً اگر بنا است که راجع به مسئله سلاح هسته‌ای کسی نگران باشد، آن، آمریکا نیست. آمریکا که خودش چند هزار کلاهک هسته‌ای دارد. چند هزار بمب هسته‌ای دارد و خودش به کار برده. خب! به شما چه؟! شما چه کسی هستید که بایستی نگران این باشید که فلان کشور به سلاح هسته‌ای دست پیدا می‌کند یا نمی‌کند؟! وانگهی آن دستگاه‌هایی که مسئول‌اند، خب بله! می‌شود تضمین کرد. [البته] تضمین هم شده است یعنی روشن است؛ شاید خود آنها هم می‌دانند. اصل حرف آنها، حرف ناحقی است.

البته ما به تیم مذاکره‌کننده‌مان اعتماد داریم. مطمئن‌ایم. یقیناً آنها به دست‌اندازی به حقوق کشور و حقوق ملت و کرامت ملت راضی نخواهند شد و اجازه نخواهند داد که چنین کاری انجام بگیرد. مسئله ظرفیت غنی‌سازی یک مسئله است که خیلی مهم است؛ مسئله تحقیق و توسعه که قطعاً باید رعایت بشود؛ حفظ تشکیلاتی که دشمن قادر به تخریب آن نیست. روی «فردو» تکیه می‌کنند. چون غیر قابل دسترسی است برای آنها؛ می‌گویند: جایی که ما نمی‌توانیم به آن ضربه بزنیم، نباید داشته باشید!! این خنده‌آور نیست!؟<sup>۵</sup>

## پی‌نوشت‌ها

---

۱. ۹۳/۰۴/۰۱ (گزارش خبری) بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه
۲. ۹۳/۰۴/۰۷ (گزارش خبری) بیانات در دیدار خانواده‌های معظم شهدا
۳. ۹۳/۰۴/۰۸ بیانات در محفل انس با قرآن (اولین روز ماه مبارک رمضان ۱۴۳۵)
۴. ۹۳/۰۴/۱۱ بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها (در چهارمین روز ماه مبارک رمضان ۱۴۳۵)
۵. ۹۳/۰۴/۱۶ بیانات در دیدار مسئولان نظام (در نهمین روز ماه مبارک رمضان ۱۴۳۵)
۶. ۹۳/۰۴/۲۲ بیانات در دیدار شاعران در شب میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام
۷. ۹۳/۰۴/۲۳ (گزارش خبری) بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت
۸. ۹۳/۰۵/۰۱ بیانات در دیدار دانشجویان در بیست و پنجمین روز ماه مبارک رمضان ۱۴۳۵
۹. ۹۳/۰۵/۰۷ خطبه‌های نماز عید سعید فطر
۱۰. ۹۳/۰۵/۰۷ بیانات در دیدار مسئولان و سفرای کشورهای اسلامی (عید سعید فطر)
۱۱. ۹۳/۰۵/۲۲ (گزارش خبری) بیانات در دیدار وزیر امور خارجه،  
سفران و مسئولان نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور